

تولید نفت با اتکاء به نیروی خود

صورت گرفته نمونه کوچکی است که ما میتوانیم وقادیریم بدون اتکاء به هیچ قدرت خارجی و با تکیه کردن به زحمتکشان و نیروی خود، کلیه مسائل و مشکلات کشور را حل نموده و به روی پای خود بایستیم. تولید مستقل و متکی به خود نفت نمونه ای است که دیگر رشته های تولید میتوانند از آن بیاموزند و با فشاری در قطع وابستگی به امپریالیسم و اتکاء به نیروی زحمتکشان کاردان و شریف ایرانی، بسوی تا میهن استقلال کامل اقتصادی کشور را امپریالیستها گام بردارند. ما این پیروزی ملی را به کارگران و کارکنان میهن پرست و مبارز صنعت نفت تبریک میگوئیم.

هفته گذشته آقای حسن نزیه مدیر عامل شرکت نفت اعلام کرد که کارگران و سایر کارکنان شرکت نفت قادر شده اند، بدون مشارکت خارجی از سطح تولید نفت را به ۵ میلیون و ۳۰۰ هزار بشکه در روز برسانند و این موجب رشک و حسد استعمارگران شده است. امپریالیستها و نوکران سرسپرده آنان همیشه مبلغین انقیاد طلبی و اتکاء به نیروی بیگانه بوده و هستند، زیرا مدعی اند خلقهای زیرستم در جهان سوم قادر نیستند بدون اتکاء به ابرقدرتها بروی پای خویش بایستند و چرخ صنایع خود را بگردانند. تجربه کنونی تولید نفت ما که با اتکاء به نیروی خود کارگران و مهندسیان ایرانی

سال اول
اردیبهشت ۱۳۵۸
هفته دوم

ارگان مرکزی سازمان انقلابی

تک شماره ۱۰ ریال

صف آرائی نظامی دوا بر قدرت

آیا واقعا جهان بسوی صلح و آرامش می رود؟ آیا امپریالیستها و بویژه دوا بر قدرت در حال بستن کارخانه های اسلحه سازی هستند؟ آیا مردم جهان میتوانند وجود دوا بر قدرت به خواب خوش فروروند؟ سالهاست که دوا بر قدرت آمریکا و شوروی را روجنگال تبلیغاتی وسیعی را در مورد "خلع سلاح"، "تشنج زدانی" و "گامهای بلند در جهت صلح" بر اه انداخته اند. اما واقعیت اینست که ابرقدرت های آمریکا و شوروی برخلاف تمام این تبلیغات گوشخراش برای آقای بر جهان به رقابت مرگ و زندگی دست زده اند. نگاهی هر چند گذرا به آمار و ارقام تسلیحاتی آنها و عملکردشان در سطح جهان نشانگر این امر است که آنها اگرچه بظاهر دم از "صلح دوستی"، "مخالفت با جنگ" و "تشنج زدانی" میزنند ولی در عمل جنگ افروز و غارتگرند.

جدول ۱	آمریکا	شوروی
درآمد ناخالص ملی	۲۱۰۰ میلیارد دلار	۱۲۰ میلیارد دلار
بودجه نظامی	۱۲۰ میلیارد دلار	۱۴۰ میلیارد دلار
* تخمین زده شده - منبع نیوزویک ۵ فوریه ۱۹۷۹		

جدول بالا بروشنی بودجه عظیم ماشین جنگی دوا بر قدرت را نشان می دهد. علیرغم اینکه درآمد شوروی تقریبا نصف آمریکا است ولی مبلغی را که به بودجه نظامی اختصاص داده بیشتر است. بعلاوه نسبت هزینه ها، نظامی به درآمد آمریکا ۱۱٪ در مقابل آمریکا ۵٪

پیش بسوی وحدت ضد امپریالیستی طبقه کارگران ایران تظاهرات عظیم اول ماه مه

که بخاطر پیشبرد انقلاب تحمل کرده و هنوز هم میکنند، روحیای بسیار خوشبین و رزمنده داشتند. وقتی از آنان می پرسیدی که آینده را چگونه می بینید، ذره ای از ترس و نگرانی در آنها دیده نمیشد. آنان میگفتند: "ما بیشتر از شش ماه درد بیکاری و گرسنگی را تحمل کردیم تا شریکیت پهلوی را بکنیم، حالا که انقلاب به نتیجه رسیده و دولتی ملی روی کار آمده است، چگونه میتوانیم آنرا از خود ندانیم و برای بقای آن حاضریم فداکاری نباشیم؟" و سخنرانان با تاکید برای اینکه دولت جمهوری اسلامی در خدمت کارگران و زحمتکشان است از کارگران میخواستند که مسائل اقتصادی و سیاسی کنونی را در نظر بگیرند و خواسته های فوری بقیه در صفحه دوم

از دوست و دشمن فها نید که دیگر کسی نمی تواند او را در صحنه سیاست نادیده بگیرد یا بکوشد تا چون مهرهای بیجان مورد معاملات و بهره برداری های سیاسی قرار دهد. بعد از تظاهرات میلیونی امسال دیگر کسی نخواهد توانست به نقش کارگران قهرمان ما کم بها دهد و هیچ برنامه یا سیاستی نمیتواند بدون توجه دقیق به خواسته ها و نیازهای طبقه کارگر طرح ریزی و پیاده گردد.

بزرگترین تظاهرات طبقه کارگران ایران و هواداران در روز اول ماه مه در تهران در دسته جداگانه صورت گرفت صفوف اصلی کارگران که از میدان انقلاب آغاز میشد بیش از یک میلیون نفر از کارگران، زحمتکشان، دانش آموزان پیشه وران و دیگر قشرها و گروه های طرفدار طبقه کارگر را در برداشت و در

در روز سه شنبه ۱۱ اردیبهشت اولین جشن بزرگ روز کارگر (اول ماه مه) در عصر انقلاب، با شکوه و عظمتی بی نظیر برگزار شد. توده های میلیونی کارگران و زحمتکشان ایران پس از گذشت ۲۵ سال یکبار دیگر در صفوفی فشرده و با روحیه ای رزمنده و پر شور بخیا بانها آمدند و با دست زدن به راه پیمائی ها نشانی بزرگ روز کارگر را گرامی داشتند.

جشن امسال که در شرایط پیروزی بر حکومت استبدادی و وابسته به امپریالیسم شاه خائن و در هم کوبیده شدن کاخ عظیم سلطه امپریالیستها در ایران انجام میگرفت، رویدادی تاریخی بود. کارگران غیور ما با شرکت وسیع و رزمنده خود در این مراسم بجای نشان دادن که با وجود دادن شهدای بی شمار، با وجود

بجها نیا ن نشان دادند که با وجود دادن شهدای بی شمار، با وجود سختی های ناشی از بیکاری و با وجود کار شکنی ها و مسئله آفرینی های امپریالیستها و نوکران جیره خوار آنان، کوچکترین تزلزلی بخویش راه نداده اند و بدون کمترین بیمی از سختیها، با سرسختی تمام در راه ادامه انقلاب بمبارزه مشغول اند. صفوف میلیونی کارگران و زحمتکشان ما بهمگان نشان داد چه کسانی بودند که ستون فقرات صفهای متراکم و طولانی رزمندگان یکساله اخیر را تشکیل می دادند و چه کسانی نقش اساسی را در بشمار رسانیدن انقلاب بزرگ کنونی بعهده داشته اند. طبقه کارگر ما با مشت های گره کرده و فریادهای رعد آسای خود بهمه کس، اعم

طرفدار طبقه ی کارگر را در برداشت و در زیر پرچم جمهوری اسلامی و با دادن شعارهایی عمدتاً ضد امپریالیستی، بسوی میدان امام حسین (فوزیه سابق) حرکت نمود. کارگران در حالیکه هر گروه پرچمها و پلاکاردهای کارخانه های خود را حمل میکردند با روحیه ای بشاش و مبارزه جووبا فریادهای خستگی - ناپذیر تا نزدیکیهای میدان امام حسین به پیش رفتند و در آنجا چون بخاطر کثرت شرکت کنندگان امکان حرکت نبود بر زمین نشستند و به سخنرانیهای رهبران سیاسی و مذهبی گوش فرادا دادند. شرکت وسیع زنان زحمتکش و خانواده های کارگران از بزرگ و کوچک صحنه های باشکوه و فراموش نشدنی میآفرید. آنان با وجود تمام شرایط سختی

☆ به یاد تو فرزند ☆

(به نام خانم امیر سلیمانسی مادر مبارز رفیق شهید تقی سلیمانسی)

تو در دل خاک سیه پنهان شده ای پسر، مایه امید دلم بودی و اکنون رفت و خاک دوجهان بر سر او پیکر شده ام
وای دوستان، چه بی مونس و یاور شده ام
تا قد و قامت رعناش، نهان شد در خاک
قامت خم شد و بشکست و چو مضطر شده ام
سوز دل را چه بگم، دخترش ساله تو
یادگار تو، بود، تسلی ده غمهای مادر
دوستان بر من عمده تسلی چه دهید
سوختم و نیست شدم، واله و پرپر شده ام
مادر شهید محمد تقی سلیمانسی
لوسانی

من یک مادر کارگر، یک مادر زحمتکش، مادری که سالهاست نمیدانم معنی راحتی یعنی چه. مادری که بخاطر زندگی بچه هام در شبانه روز شاید ۴ ساعت استراحت نکردم و خوشحالم از این که بچه اشی را پرورش دادم، که

به یاد تو فرزند که در زیر سخت ترین شکنجه های دشمن، لب به سخن نگشودی. و بخاطر آرمان و هدف مقدست که همانا آزادی خلق و وطن بود در خون سرخ خویش غلطیدی. درود بر تو فرزندم که با خون شریف نهال آزادی را بارور کردی، شهادت را مردانه پذیرفتی و برای وطن و مادرت و فرزندت، سمیرا میس (دختر رفیق تقی - رنجبر) افتخار آفریدی. یادت بخیر فرزند شهیدم، که یادت همیشه در قلبم جاودان است. بعد از ۳ سال انتظار و فغان، اینک تورا در قبری تاریک و گمنام پیدا کردم، مزارت را با اشک دیده و خون دل شستشو میدهم، خاطر عزیزت، و افکار انسانیت ترا برای همیشه گرامی میدارم.

ای گریزان از قفس ای بلبل گم کرده خانه ای دلی پر خون زحمت بردی از دست زمانه ای که با صد آرزو راه خود کردی تو یایان تو در ما هی که گلها سراز خاک بیرون میآورند،

اعلامیه

کارگران و زحمتکشان قهرمان ایران

یا زدهم اردیبهشت روز هم بستگی زحمتکشان سراسر جهان را به شما تبریک میگوئیم!

امسال بشکرانه پیروزی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران به رهبری امام خمینی، زحمتکشان کشور ما قادرند عید خود را آزادانه در سراسر کشور برپا کنند. این از جمله نتایج انقلابی است که شما ستون استوار آن بودید.

خواهران و برادران زحمتکشان! با را انقلاب بیش از همه بردوش شما بود و شما نگونه که رهبر انقلاب بارها گفته است ثمرات آن نیز با ید بیش از همه برای شما باشد.

اما امروز فشار بیکاری، نداشتن خانه و کاشانه ای در خور یک انسان، نداشتن بهداشت و دیگر کمبودهای بهارث مانده از رژیم سرنگون شده برگردۀ شما فشار میآورد. در یکسری از نقاط مملکت، مالکان مرتجع با همدستی عوامل ساواک و اوباشان به دهقانان حمله کرده، آنها را از زمین های خود بیرون رانده بجان و مال و ناموس آنها تاجا و زکرده اند. در نتیجه این حق مسلم شماست که بپا خیزید، متشکل شوید و حقوق خود را بدست آورید.

اما خوانست شما و حرکت شما از دو طرف مورد حمله قرار گرفته است. از یکطرف عده ای تحت پوشش حرفهای انقلابی تلاش دارند شما را بخدایت با جمهوری اسلامی بکشانند. آنها اینطور بقیه در صفحه دوم

خونشو، جانشو، برای مردم زحمتکش و کارگر و ستم دیده ایران داد، پس من از تمام فرزندان عزیزم که بعد از تقی، همه فرزندان من هستند، من از همه آنها میخواوم که از تفرقه اندازی بگریزند، تفرقه اندازی را کنار بگذارند، وصیمانه دست به دست هم بدهند و راه شهدای پخ خاک خفته را دنبال کنند و نگذارند که خون آنها بقیه در صفحه دوم

را که به بودجه نظامی اختصاص داده بیشتر است. بعلاوه نسبت هزینه های نظامی شوروی به درآمد ملی اش ۱۱% در مورد آمریکا ۵% است که بنوبه خود درجه نظامی شدن اقتصاد روسیه را برجسته میسازد البته باید توجه کرد که شوروی بسیاری از هزینه های نظامی خود را در سایر بخش های اقتصادی اش پنهان کرده و در واقع بیش از ۲۰% از درآمد ملی روسیه در خدمت ماشین جنگی اش است. بقیه در صفحه دوم

نامه سرگشاده سازمان انقلابی

به برادر مبارز هانی الحسن سفیر انقلاب فلسطین در ایران که مناسبات دوستانه و برادرانه بین حزب توده ایران و سازمان آزادیبخش فلسطین بیش از پیش تحکیم و گسترش یابد.

در این رابطه، دو سوال برای مردم ایران و اکثریت نیروهای سیاسی خلقی ما، مطرح می شود: اولاً: آیا این "پشتیبانی کامل" دارو دستنه ی کمیته مرکزی حزب توده واقعی است یا صرفاً جنبه تبلیغی بنفع عوامل شوروی در ایران را دارد؟

ثانیاً: آیا تحکیم و گسترش مناسبات دوستانه بین حزب توده ایران و سازمان آزادیبخش فلسطین بنفع انقلاب دو کشور است یا خیر؟

در اینکه دارو دستنه کیان سوری بعلت سرسپردگی بی قید و شرط به امپریالیسم روسیه، مذبح جانانه تلاش می کنند در جریان رقابت بین دو ابر قدرت آمریکا و روسیه انقلاب خلقهای ایران و عرب را به شوروی وابسته کرده و نهایتاً آنها را به شکست بکشانند جای هیچگونه ابهامی نیست.

در اینکه اکثریت عظیم خلقهای ایران و بویژه کارگران و دهقانان ما بعلت سیاستهای فرصت طلبانه و ضد ملی و ضد کارگری این دار و دسته، عمیقاً از آنها متنفرند جای هیچگونه تردید و شکی نیست.

اما برای اینکه این نظرات ما جنبه اتهام زنی پیدا نکند لازم می دانیم بطور مختصر سیاستهای رهبران مسکو و این دار و دسته را در قبال انقلاب خلقهای عرب و ایران بازگو کنیم: بقیه در صفحه پنجم

با سلام گرم و آرزوی موفقیت برای خلق قهرمان فلسطین، خلقی که مبارزات سخت، طولانی و بغرنجی را علیه امپریالیسم و صهیونیسم به جلو برده و راهش با خون هزاران هزار زن و مرد، کودک و جوان، پیر فلسطینی و سایر خلقهای عرب گلگون شده و مورد پشتیبانی بیدریغ و خالصانه خلقهای سراسر جهان بویژه خاور میانه قرار گرفته است. با درود فراوان بر خلقی که در نزد قاطبه مردم ایران عزیز ترین خلق هستند.

سازمان انقلابی، بنا بر وظیفه ی خدشه ناپذیر و مداومش در همبستگی و دفاع از انقلاب خلق ستم دیده و رانده از سرزمین آبا و اجدادی اش فلسطین، در برابر نیروهای امپریالیستی، صهیونیستی جنایتکار و بخاطر اینکه جنبه متحد دفاع از انقلاب فلسطین بتواند وسیعترین نیروهای انقلابی، مترقی و دموکراتیک را در بر گیرد، به نوشتن این نامه مبادرت می ورزد.

روزنامه "مردم" ارگان مرکزی دار و دسته رویزیونیستی حزب توده در شماره ۷ اردیبهشت ۱۳۵۸، خبر "دیدار دوستانه بین هیئت نمایندگی حزب توده...

و رفیق هانی الحسن، نماینده انقلاب فلسطین" در ۳۰ فروردین امسال را منتشر کرد و هیات نمایندگی حزب توده "پشتیبانی کامل خود را از بیکار عا دلانسه خلق قهرمان فلسطین بر ضد امپریالیسم و صهیونیسم و در راه تشکیل دولت آزاد و مستقیم" (تکیه روی کلمات از ماست) ابراز داشت. در این دیدار "طرفین ابراز اطمینان کردند

دنباله: یاد رفقای شهید....

نرابا پیروی از مارکسیسم - مینیم - اندیشه ما ثوتسه دون غط مشی سازمان، با تکیه بسه رده ها بدون هیچگونه تعلل و حتی وبادلسوزی که از عشق اوبه رده های خلق سرچشمه نیگرفت ، پیش میبرد. اوبه مجرد آنکه به سی اعتماد میکرد با شها مستو سارت گامل به او مسئولیت میداد کارها را برعهده اش میگذاشت. رفیق گرسیوز برومند در ال ۱۳۲۲ در محله ای امامزاده شهر پهم دیده به جهان گشود. از همان وان کودکی عشق به خلق و متکشان در درون او شعله ور بود. و در مقابل مردم ستمدیده بسیار تواضع و فروتن بود. بعکس هنگام روپوشدن با مرتجعین اغی و سرکش.

گرسیوز در سالهای آخر بیروستان به سیاست رو آورد. در ال ۱۳۴۰ برای ادامه تحصیل هایتالیا رفت. با رشد سیاسی ایدئولوژیک سریعی که کرد برای دمت به زحمتکشان و انقلاب هرآمیز توده ای ورهائی میهن ه سازمان پیوست. اوبانهایت واضع و پشتکار وظایف سازمانی و در انجام میداد و بالاخره نیز رای انجام وظایف سازمانی از رف سازمان در سال ۱۳۴۵ به داخل ایران مد. در تابستان ۴۹ دستگیر گردید و مدت سه سال در زندان بود ادژخیمان با فریاد " زنده باد ازمان انقلابی" مقابله مینمود، تاومت و برخور در رفیق در زندان را مورد احترام و اعتماد همسه ی با رزین در بند قرار داده بود. دو ر در زندان بدلیل اینکه به او لاقا تی نمیدادند دست به اعتصاب دازد. یکبار نیز در زندان قصربا همی زندانیان بعطت بدی غذا عتصاب میکنند و دژخیمان زندان اوادار به قبول درخواستشان پیمانند.

بعدا ز تمام دوره ی محکومیت تارج شدن از زندان او این فکر را ایجاد را بطه ی مجدد با سازمان ود. رفیق بعد از تماس با سازمان جددا مبارزه ی خود را برای انجام ظایف سازمانی شروع میکند. رفیق شهید تقی سلیمان ی در ال ۱۳۲۷ در یک خانماده، کاگ،

دنباله: قضا هرات عظیم.....

خودشان را طوری تنظیم کنند که امکان انجام آنها برای دولت ملی فعلی وجود داشته باشد، این تظا هرات بزرگ دارای صفوی متحد و یکپارچه و شعارهای سیاسی مشترک بود و با وجود بعضی شعارهای انحرافی که در اینجا و آنجا بگوش میرسیسد دارای شعارهای اساسا ضد امپریالیستی و انقلابی بود.

در پیاده روی دوم که از خانه ی کارگر آغاز شده و بتدریج بطرف جنوب ادامه یافت صفوف کارگران و خانواده های آنان در پیش و توده های دانشجویان، دانش آموزان و سایر گروه های هوادار طبقه ی کارگر که اکثریت را تشکیل میدادند دنبال آنان حرکت می نمودند. این گروه جمعیت که از ۱۰۰ هزار نفر تجاوز میکرد با شعارهایی به پشتیبانی از طبقه ی کارگر و اتحاد نیروهای خلق و اتحاد تمام کارگران ایران از مسیر خیابانهای جمهوری و فردوسی گذشته و تا حدود یک بعد از ظهر به پیاده روی پرداختند. این گروه نیز بسیار یکپارچگی خاص خود با شعارهای مشترک خویش و با فریادهای رسای "اتحاد اتحاد" به مراسم بزرگداشت روز کارگر شکوه و عظمت خاصی بخشیدند.

اما تظا هرات پرشکوه کارگری امسال خالی از کارشکنی های سرسختان دست راستی نیز نبود. در تظا هرات دوم در طول مسیر پیاده روی چندین گروه های معدودی از این گونه افراد تلاش کردند. تا با فریادهای "مرگ بر کمونیسم" و ایجاد اختلال در نظم صفوف، باعث ایجاد درگیری شده و مراسم روز کارگر را به درگیری آلوده سازند. و در یک مورد گروهی از این افراد با سوء استفاده از پرچم انقلاب اسلامی تلاش کردند تا صفها را بهم زنند اما این توطئه نیز با خون سردی و صبرا انقلابی صفوف را هییمان نقش بر آب گردید و تظا هرات بعد از خواندن قطعه نامه ای بدون درگیری به پایان رسید.

تظا هرات اول ماه مه امسال در سراسر کشور نشانگر دستاوردهای بزرگی برای طبقه کارگر ایران بود، در عین اینکه کمبودهایی را نیز برجسته ساخت. مهمترین دستاورد، شرکت

به نقش و رسالت خود پی میبرد و تا نیا وجود گردان مستحکم و قدرتمند طبقه کارگر در ارتش ضد امپریالیستی خلق، این مبارزه را استحکام بخشیده و نیرومند میگرداند. اما تظا هرات اول ماه مه کمبودهایی را هم برجسته ساخت. مهمترین این کمبودها عدم وحدت وسیع و مستحکم ضد امپریالیستی طبقه کارگر بود که خود را در وجود و حرکت دودسته از تظا هرکنندگان نمایان ساخت. طبقه کارگر بدون وحدت بزرگ ضد امپریالیستی خود (جدا از ایدئولوژی های مختلف) نمی تواند بمثابه ستون فقرات مبارزه ضد امپریالیستی خلق عمل کند و نمی تواند جز اولازم را برای دست یافتن به خط مشی صحیح سیاسی طبقه خود ایجاد نماید. طبقه کارگر (جدا از مسئله ایدئولوژیک) میتواند و باید بر اساس مبارزه علیه امپریالیسم بویژه امپریالیستهای آمریکای روسیه، متحد شود.

در این زمینه نیز، همانند امر وحدت بزرگ خلق، سرسختان راست و فرصت طلبان "چپ" در امر وحدت ضد امپریالیستی طبقه کارگر اختلال میکنند. سرسختان دست راستی که پایشان در مبارزه ضد امپریالیستی می لنگد و مخالف تغییرات بزرگ در زندگی کشور به نفع زحمتکشان هستند، تلاش دارند تا زیر پرچم های "ضد کمونیستی" و "اسلام خواهی" (که فرسنگ ها با اسلام مبارزه صله دارد) در وحدت ضد امپریالیستی طبقه اختلال کنند تا منافع گروهی و کوچک ضد کارگری خود را حفظ نمایند.

از سوی دیگر فرصت طلبان "چپ" نیز با سیاست سوء استفاده از خواسته های رفاهی کارگران و سمت دادن آنها بسوی ضربه زدن بسه جمهوری اسلامی و دولت موقت و سیاستهای "اسلام زدائی" خود در امر وحدت ضد امپریالیستی طبقه اختلال میکنند. هر دو این سرسختان دست راستی و فرصت طلبان "چپ" با این سیاستهای خود با تضعیف مبارزه متحد ضد امپریالیستی، زمینه را برای فعالیت های ضد انقلابی عنا صروا بسته به بیگانه آماده می سازند و وحدت ضد امپریالیستی طبقه تنها با طردا یندوسیا ست امکان پذیر میگردد. کمبود دیگر، عدم استقلال طبقاتی و سیاسی طبقه کارگر است. تنها با کسب استقلال طبقاتی است

دنباله: به یاد تو فرزند....

پایمال بشه و هدر بره، همان طور که اونها در زمان سختترین شرائط، در زمانی که خفقان سراسر ایران را گرفته بود اونها مبارزه کردند، از مرگ نهراسیدند واقعا شبانه روزی، فعالیت سیاسی می کردند، پس اونها جونشون را برای ما دادند، پس ما که حالا بهار آزادی را دیدیم، حداقل باید نگذاریم خون اونها پایمال بشه، ما باید، وظیفه داریم راه اونها را دنبال کنیم، وظیفه داریم مردمو آگاه کنیم، مردم از این تفرقه اندازی بپرهیزند تا با هرکسی رو برو میشی میگی این کمونیسته، این چریکه، این چیه این چیه، مگر همه این مردم نبودند که مبارزه کردند، مگر این کارگران نبودند که پیشقدم در مبارزه بودند، چرا حالا اگر بنده اسم می آرم بگم من کارگرم میخوان منو داغون کنن، میگن تو که گفتی کارگری، یک کمونیست هستی، چرا من عکس عزیزانم و وقتی تو کوچه ها می چسبونم بر میگردد می بینم همه روپاره کردن، چرا انقدر باید تفرقه باشه، مگر فرزند من و همه فرزندانی که در خاک و خون خفته اند، مگر جز برای مستضعف و زحمتکش و کارگر ایران کشته شدند؟ مگر آقای خمینی رهبر ما از مستضعف نمی گویند پس چرا این مردم نا آگاه انقدر تفرقه میندازند. این حق منسه که تمام این حرفهای من گفته بشه همه بدوندند جگر مادری که

دنباله: صف آرائی...

Table with 4 columns: Country, Year, and other data. Rows include 'جنگ و جدول ۲', 'موشکهای اتمی قاره پیما', 'موشکهای زیردریائی', 'بمب افکن استراتژیک', 'کلاهک های هسته ای', and 'نوا و جنگ'.

نشانی رنجبر تهران خیابان مصدق پائین تر از امیر اکرم کوی گودرز پلاک ۱۶ - تلفن ۶۶۰۵۱۹ صندوق پستی ۱۴۰۱-۳۱۴

سوخته و داغدار است، اونها داغشو بیشتر نکنن، اونها با پاره کردن عکس فرزندان ما، مارو بیشتر داغون نکنن. ما بقدر کافی داغون شده ایم، ما داغ دیدیم ما چون دادیم، من ۲۷ ساله دادم، طی این ۲۷ سال بارها خون از لای انگشتم زده بیرون تا اون ۲۷ ساله شده، حالا چرا عکسهای اونها پاره می کنن، چرا هر نامه ای که برای روزنامه کیهان دادم، بچاپ نرسید، چرا نامه برای تلویزیون دادم خوانده نشده، نامه برای آقای خمینی هم دادم... من این داغ دلمو برای دادگستری نوشتم برای تلویزیون نوشتم، برای آقای خمینی نوشتم، برای کیهان نوشتم. با کی من باید برم درد دلمو بگم... پس الان شما باید بداد دل ما مادرا برسین. همه برسین بداد دل ما. ببینین خواست ما چیه، اون کارو انجام بدن. من که یک ۲۷ ساله از دست دادم مگه نباید خواستم توی این آزادی جبران بشه. خیلی ازتون متشکرم، خیلی ممنون.

۲۳۰	۲۶۰	۲۴۳	۱۷۲	نا و جنگ
۴۰۰۰	۵۱۰۰	۴۶۵۰	۴۵۰۰	هواپیمای تا کتیکی
۳۲۴۰۰	۸۵۰۰	۵۰۰۰۰	۱۰۵۰۰	تانک
۳۴۰۰۰۰۰	۳۵۰۰۰۰۰	۴۴۰۰۰۰۰	۲۱۰۰۰۰۰	افراد ارتش

در این جدول نیز علاوه بر حجم عظیم ماشین جنگی دوا بر قدرت، به نکته برجسته‌ای برمی‌خوریم که شدت مسلح شدن امپریالیسم روسیه در ۱۰ سال گذشته بوده است. بطوریکه در اکثر زمینه‌های نظامی از

امپریالیسم آمریکا پیشی گرفته‌اند اگر تولید تسلیحاتی آمریکا را یک واحد محسوب کنیم، شوروی ۹ برابر توپخانه، ۶ برابر برکتی جنگی و تا ۲ برابر زیردریایی و هلیکوپتر بیشتر می‌سازد. و آنوقت درست همین امپریالیست‌ها روسی هستند که این چنین دم از "تشنج‌زدائی" و "ملح‌طلبی" می‌زنند، ما را تا و بطور دیوانه‌واری برای جنگ جهانی جدید تا دندان مسلح می‌گرداند.

تقویت نظامی، خود، تنها یک جنبه از مسئله رقابت است. ابرقدرت‌هاست، جنبه دیگر، تجاوز به استقلال کشورها و وابسته کردن آنان از نظر نظامی بخود است. ابزار مهم این کار عبارتند از:

- * ایجاد پایگاه‌های نظامی برای تحکیم سلطه خود بر کشورهای تحت سلطه یا توسعه نفوذ خود در منطقه.
- * نفوذ در ارتش سایر کشورها از طریق گسیل مستشاران نظامی وابسته کردن کشورهای دیگر از نظر تسلیحاتی بخود، به طوریکه دستگاه نظامی این کشورها بدون موافقت امپریالیسم حاکم نتواند عمل کند.
- * انعقاد پیمان‌های نظامی و ایجاد دسته‌بندی‌های نظامی برای استفاده از کشورهای تحت سلطه و "هم پیمان" جهت انجام عملیات تجاوزگرانه نسبت به سایر ملل بسودن درگیری مستقیم خود.

* جاسوسی نظامی توسط شبکه‌های جاسوسی و از طریق فضا. هر دو جنبه رقابت ابرقدرت‌ها، چه تجاوز و سلطه بر ملل ستمدیده، چه درگیری مستقیم با یکدیگر، مستقیماً با مهمترین مسئله سیاسی کشورهای جهان سوم، یعنی کسب و حفظ استقلال ملی مربوط میگردد.

دوا بر قدرت آمریکا و روسیه برای ایجاد "ملح‌پایدار" این چنین مسلح نمیشوند، مسابقه تسلیحاتی آنان تنها تدارکی برای جنگ جهانی و دعوا بر سر مناطق نفوذ است. از اینروست که مسئله رقابت این دو ابرقدرت، تنها مسئله‌ای مربوط به خود آنها نیست. چه، ابرقدرت‌ها دارند با استقلال کشورها بازی میکنند و مسئله رهائی ملی خلقها در میان است.

تدارک جنگی دو ابرقدرت، برای ایران مابیش از سایر کشورهای اهمیت داشته و خطرناک است.

ایران کشوری است غنی از نظر مواد معدنی بویژه نفت، که خود یک ماده مهم استراتژیک اقتصادی و جنگی است.

میهن ما، بنا بر تاریخی ضریب سختی به امپریالیسم حاکم آمریکا وارد آورده، اما این امپریالیسم به شکست خود راضی نمیشود و خیال بازگشت دارد. از طرف دیگر، امپریالیسم نواخته روسیه که جای حریف خود را "خالی" می‌بیند، در پی برکردن این جای "خالی" است، بویژه آنکه در همسایگی اش هم قرار داریم و تزارهای نوین همان خواب و خیالهای خام دست یافتن به آبهای گرم جنوب را در سر می‌پوروراند.

بقیه در صفحه پنجم

طبقاً تی و سیا و طبقه کارگر است. تنها با کسب استقلال طبقاتی است که کارگران میتوانند بر پایه‌های صحیح با دیگر اقشار طبقات متحد گردند و گرنه همیشه مبارزاتشان با زیچ دست‌سایاستمداران دیگر طبقات و در خدمت منافع طبقاتی اینها خواهد بود.

ایجاد این استقلال طبقاتی امری است که مستقیماً با جنبش بقیه در صفحه پنجم

است که شما ستون اساسی استادگی و مبارزه با امپریالیسم بویژه دوا بر قدرت و دیگر دشمنان خلق هستید. ما معتقدیم هر سازمان و حزبی و هم چنین دولت موقت باید در خدمت شما باشد و نه برعکس. بنا بر این با دفع حمله کسانی که می‌خواهند خواست و مبارزه شما را علیه جمهوری اسلامی بکشانند و یا خواست و مبارزه شما را خفه کنند، صفوف خود را متشکل کنید، سندیکا‌های مستقل خود را بوجود آورید، برای خواستهای بحق خود مبارزه کنید با تمام خلق و رژیم جمهوری اسلامی تحت رهبری امام خمینی متحد شوید و انقلاب را تا خلع پید کامل امپریالیسم بویژه دوا بر قدرت و عمال آنها و ساختن ایرانی آباد، آزاد و متکی بخود ادامه دهید.

۱۱ اردیبهشت - سازمان انقلابی

دنباله: رویدادها....

فرزندان من هستند و مسود اعتماد شما ومن میباشند. اجتماع کنندگان پس از خروج از مسجد به نشانه مسرت به تیراندازی هوایی پرداختند. هم اکنون مذاکرات این هیئت اعزامی در تهران جریان دارد. ما ضمن ابراز پشتیبانی خود از خواستهای بحق خلق عرب خوزستان از دولت مرکزی می‌خواهیم که به این خواستها جواب گفته و اصل خودمختاری خلق عرب خوزستان را بپذیرد و بدین وسیله وحدت ملی و خلقهای ایران را تحکیم بخشد.

ایضا در خبرگزاری، مهمترین دستاورد، شرکت وسیع و توده‌ای طبقه کارگر در مبارزه سیاسی، آنهم مبارزه ضد امپریالیستی برای استقلال کامل میهن است. و این مسئله برای مبارزه سیاسی و طبقاتی آینده کارگران و مبارزه ضد امپریالیستی خلق امری بس ارزشمند است. چه و لاطبقه کارگر در پیوند با سایر اقشار و طبقات خلق در مبارزه سیاسی است که رشد سیاسی میکند و

دنباله: اعلامیه.....

جلوه میدهند که گویا علل فشار و ستم بر شما از جانب جمهوری اسلامی است. از آنها پرسید که آیا عامل بسته شدن کارخانه‌ها، اخراج کارگران و نجا و زبه حقوق دهقانان، جمهوری اسلامی بوده است؟ حقیقت اینست که علت اساسی فقر و سکنت و ستم بر شما نفوذ امپریالیسم بویژه دوا بر قدرت آمریکا و روس، وجود سرمایه‌داران وابسته، مالکان مرتجع و عمال آنهاست. البته دولت نیز کمبودها و ناتوانی‌های در حل مسئله شما دارد ولی عامل اساسی نیست. از طرف دیگر عده‌ای تحت پوشش دفاع از جمهوری اسلامی و اینکه باید علیه توطئه‌های استعمارگران متحد بود و وحدت را حفظ کرد مسائل حیاتی زندگی شما و خانواده‌تان را نادیده می‌گیرند و می‌گویند برای گرفتن حقوق خود مبارزه نکنید. ولی به آنها نیز بگوئید با زن و بچه گرسنه، زیر فشار ستم، تصدی و تجاوز مرتجعین وابسته به رژیم سابق چگونه می‌توانیم با امپریالیسم، با دوا بر قدرت و عمال آنها مبارزه کنیم؟

کارگر بیکار، دهقان غارت شده، در درجه اول کار می‌خواهد خانه و کاشانه و زمین خود را می‌خواهد، آزادی می‌خواهد و با تاءمین اینهاست که شور و شوق برای دفاع از استقلال کشور خواهند داشت. زحمتکشان بسیار قداکاری کرده اند ولی نمیتوان انتظار داشت گرسنه و بی‌خانمان بمانند. این نه حقانیت دارد و نه عملی است.

خواهران و برادران زحمتکش! سازمان انقلابی ما معتقد

رفیق شهید تقی سلیمان نوری در ۱۳۲۷ در یک خانواده کارگری تولد شد. او از همان آغاز زندگی مفهوم رنج و استثماری برد. رابط طاققت فرسای زندگی را نوازه، زندگی پر مشقت است. مسایگان که همه‌ی آنها جز و خیل نجدیدگان بودند، تقی را چنان بار برد تا کینه‌ی عمیق نسبت به ستمگران و استثماریان در دل گیرد. در اولین فرصت در پی جستجوی راه‌هایی آنها گام بردارد. او قروفلکت زحمتکشان میهن زیرمان را با گوشت و پوست خود مس کرده بود. او چیزی جدا از زحمتکشان نداشت. تمام زندگی و سرشار از عشق به زحمتکشان و نفرت به دشمنان یعنی امپریالیسم طبقات ارتجاعی حاکم که در راه ستم رژیم فاشیستی شاه قرار داشت بود. او در ۱۴ سالگی بهنگام نیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ همسودش نوده‌های وسیع خلق با روحیه‌ی زنده و انقلابی در مبارزه علیه امپریالیسم و شاه‌خائن مزدور برکت جست. او در این روز در مکتب نوده‌ها روحیه‌ی از جان گذشتگی آموخت و چشم خود دید چگونه نوده‌ها در برابر رگبار مسلسل یا ستمدو جان خود را فدا میکنند. بین روحیه‌ی تسلیم ناپذیری نوده‌ها در او تاثير عمیقی گذاشت، یگر مصمم بود که بهنگام لزوم نماند هزاران شهید دیگر، جان خود را بیدریغ در راه خلق فدا نماید.

رفیق تقی در پی جستجوی راه‌هایی زحمتکشان از یسوع امپریالیسم و طبقات حاکم به از زمان ما روی آورد. او رفیقی با یمن، متواضع و پرشور بود و ندهگی خود را تمام و کمال وقف انقلاب نمود.

این سه رفیق در جهارده اردیبهشت ماه ۱۳۵۵ پس از دستگیری دست‌دژخیمان منفور ساواک در زیر کتفه شهید گشتند.

سومین سالگرد شهادتشان را با برکت خود در مراسم جمعیه ۱۴ اردیبهشت ۱۳۵۸ در ۱۰ صبح در بهشت هرا (تهران) بزرگ می‌داریم.

یادشان جاویدان است. سازمان انقلابی

موقعیت خلق عرب در خوزستان و خواسته‌های بحق آن

بخشهایی از گزارش "هیئت اعزامی خلق عرب ایران به تهران"

هفته پیش هیات اعزامی خلق عرب ایران برای مذاکره با دولت مرکزی وارد تهران شد. این هیات حامل گزارشی از موقعیت خلق عرب در خوزستان بود که گویای تاریخ، موقعیت اجتماعی و سیاسی و مبارزات خلق عرب در خوزستان است که ما در این جا بخش اعظم این گزارش را (با حذف قسمت تاریخ باستان و قرون وسطی) درج میکنیم.

خلق عرب در خوزستان خلقی شریف و مبارز، اما ستمدیده بوده است. خلقی که قرن‌ها وجود داشته، زندگی و مبارزه کرده و در انقلاب اخیر نیز نقش مهمی را همراه سایر خلقهای برادر ایران در سرنگونی رژیم وابسته شاه ایفا کرده است. و در این اولین بهار پس از سرنگونی رژیم، بحق خواستار حقوق خود، رفع ستم ملی و رشد اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و یک زندگی سرفراز و سعادت‌مند در کنار رود وحدت با سایر خلقهای ایران است. سازمان انقلابی که همیشه بر علیه ستم ملی برخاسته، مبارزه کرده و از خواسته‌های بحق آنان و هم چنین خلق عرب حمایت نموده است، در این مورد نیز مانده همیشه از خواسته‌های بحق خلق عرب در خوزستان پشتیبانی نموده و تا همین همه جانبه‌ای این خواستهارا بسط خاطر تحکیم وحدت خلقهای ایران، تعمیق انقلاب و مبارزه برای کسب استقلال کامل ملی کشور خواستار است. در گزارش "هیات اعزامی خلق عرب ایران" تحت عنوان: "تحلیلی از موقعیت خلق عرب ایران"، پس از اشاره به تاریخ منطقه، که از تصرف آن توسط سپاهیان اسلام شروع میشود و بر شردن دولتهای متعددی که در گذشته، توسط قبایل عرب نظیر بنی اسد، مشعشعیان، بنی کنیب، (آلبونا و آلبوکا می)، در این منطقه تشکیل شده است، می - خوانیم:

۱- امور خارجی امارت محمدره مزبوط به وزارت خارجه ایران است. ۲- امیر محمدره تعهد میکند که در صورت جنگ دولت ایران با سایر دول به یاری آن بشتابد. این شنا سانی از سوی ناصرالدین شاه قاجار صادر شده و دلالت بر خود مختاری محمدره و حاکمیت حاج جبار کعبی دارد. این واقعه ده سال پس از انعقاد قرارداد دوم ارض روم میان دولتهای ایران و عثمانی است. حاج جبار کعبی در تاریخ ۱۰ ذیحجه ۱۲۹۰ هجری مصادف با ۱۸۷۱ میلادی وفات یافت. پس فرزندش شیخ مزعل کعبی در همان تاریخ جان نشین وی گردید. شیخ مزعل پس از بدست گرفتن زمام امور، منطقه نفوذ خود را گسترش داده و بر حوزه رود کارون استیلای یافت، شهره‌های جدیدی را بنیان نموده و ارتش خود را به فلاحیه روانه ساخت و بدین وسیله آلبونا صرامطیح خود ساخت. شیخ مزعل آنان را غنیمت و نعمت بندهای از طرف خود تعیین نمود. پس از آن شیخ مزعل تصمیم گرفت که امارات مشعشعیان را در حوزة تصرف نماید. وی از وضع نابامان اقتصادی آن روزگار بهره برداری کرده و در سال ۱۸۸۲ - میلادی برادر خود شیخ خزعل را در رأس سپاه هی قوی روانه حوزة نمود. لشکریان آل مشعشعی و شیخ خزعل در منطقه نهر فغانی روبرو شدند. عشا بر عرب بنی طرف که مخالف با مشعشعیان بودند شهر حوزة را تسخیر کردند. هنگامی که مولی مطلب آل مشعشعی آخرین امیر حوزة خبر سقوط شهر را شنید، بسوی دزفول فرار کرد. و تا هنگام مرگ در آنجا باقی ماند. بدین ترتیب حاکمیت آل مشعشعی حوزة بپایان رسید.

خود مختاری در دوران شیخ خزعل

شیخ خزعل بن جابرمردا در سال ۱۸۶۲ میلادی تولد یافت و...

میلادی فرزند خود شیخ جابرابه عنوان جان نشین انتخاب نمود. در سال ۱۹۲۱ میلادی فرزند خود عبدالحمید را بعنوان حاکم شهر اهواز انتخاب کرد. و در همان سال فرزند دیگرش عبدالحمید را حاکم شهر فلاحیه و شیخ عبدالسه فرزند دیگر خود را حاکم شهر هندجان (هندیجان کنونی) نمود. شیخ خزعل یک فتوادال بود. او سرکردگی اعراب را قبیل از دیکتاتور ری رژیم پهلوی بعهده داشت. بعدها بدلت خنجر زدن امیرالایم انگلیس به او شکست خورد و تا روم را گردید. البته سیاستهای سوء او نسبت به قبایل عرب خوزستان و سرکوب قلدرانه برخی از آنها نیز جزو عوامل شکست شیخ هستند. اختلاف شیخ خزعل با رضاخان به حکومت و سلطه و بر عربستان مزبوط می شود. امیرالایم انگلستان که زمانی پشتیبان شیخ خزعل بود چهره آنکی را که میتوانست بهترینها خدمت کند، شناخت و رضاخان را بر شیخ خزعل ترجیح داد. چون تشخیص داده بود که یک حکومت مقتدر مرکزی نمیتواند منافع استعماریش را حفظ کند. رضاخان با همکاری انگلستان توانست علیه شیخ منطقه دست با نجام توطئه زده طی آن بر شیخ و اطرافیانش فائق آمد و راه را برای دخالت نظامی هموار ساخت. بهر حال آنچه را که رضاخان می خواست صورت گرفت، در مرزها آتش بس بوقرار شد و شیخ خزعل وارد مذاکره شدند. طی نقشه توطئه آمیزی زاهدی که از طرف رضاخان در اهواز بر میبورد شیخ خزعل را به مراسم تودیع خود دعوت کرده‌نگامی که شیخ خزعل به محل برگزاری مراسم وارد شد با همراهانش به اسارت درآمد و به تهران فرستاده شدند. و همزمان با این امر ارتش پهلوی مستقیماً وارد عمل شد و اهواز را یکباره به تصرف در آورد. این امر در سال ۱۳۰۴ مطابق با ۱۹۲۰ صورت گرفت.

این افراد در میان راه از فرط گرسنگی و سرما جان سپردند. و با قیامنده آنان بوسیله ارتش سرخ شوروی که طی جنگ جهانی دوم نواحی شمالی ایران را اشغال کرده بودند، آزادوبه سرزمین خویش بازگرداننده شدند. ۴- قیام مینا و - این قیام در سال ۱۳۱۹ خورشیدی برابر با ۱۹۴۰ میلادی روی داد. نواحی مینا و، رودهای کرخه و دز را دربر گرفت. و تا نادر مرئی و ارتش در پی ما هها تلاش و با تحمل زیانهای بسیار با لاجرم توانست قیام مزبور را سرکوب نماید. و تعداد زیادی از رهبران این قیام را بستم اسارت در آورده و اعدام نماید که بارزترین آنها عبارتند از: حیدر الظلیل و شهید کوکزا الضمد. ۵- قیام نحجریه - این قیام جنوب منطقه و ناحیه آبرفتی رود کارون را دربر گرفته بود. سال ۱۳۲۲ خورشیدی مطابق با ۱۹۴۲ میلادی. ۶- قیام شیخ عبدالله که در سال ۱۹۴۴ میلادی برابر با ۱۳۲۴ شمسی در نواحی جنوبی منطقه صورت گرفت. ۷- قیام سال ۱۹۴۰ میلادی برابر با ۱۳۲۰ شمسی با ردیگر بوسیله روستائیان بنی طرف صورت گرفت و یونس عامی رهبری آن را بعهده داشت. ۸- عمیان روستائیان نصار در ناحیه جنوبی بس سال ۱۹۴۶ میلادی برابر با ۱۳۲۶ خورشیدی که بنوبه خود یک شبه قیام بود. این قیامها بویژه در سالهای اولیه اشغال در بوجود آوردن آگاهی توده‌ای علیه تسلط و ستم ملی مؤثر بوده و خلق ما را هر چه بیشتر نسبت به مفاهیم ملی جنبش دل بسته گرداند. اما بهر حال این قیامهای روستائی به شکست منجر شدند. مهمترین عوامل شکست عبارتند از:

۱- عدم همکاری و بی‌توجهی دولتهای مرکزی و وابسته به آنها در برخورد با جنبش ملی و کسب آزادی و حق تعیین سرنوشت را بعهده گرفتند. رژیم با استفاده از رخنه بعضی عناصر خود فروش و ساواکی توانست افراد رهبری این سازمان را کشف کرده آنها را روانه سیاهچالهای خود نماید. این واقعه در تاریخ ۱۳۴۲/۹/۴ صورت گرفت. پس از مدت کوتاهی بیش از ۱۲۰ نفر از آنان را طی دادگاههای فرمایشی خود به اعدام یا زندانهای طویل المدت محکوم ساخت و در تاریخ ۲۲/۲/۴۳ زندگان زیر را به جوخه اعدام سپردند. ۱- محی الدین آل ناصر - رهبر جنبش. ۲- عیسی نصاری. ۳- دهراب شمیل نصاری. تعداد افراد وانی از اعراب در این سالها و پس از آن اعدام شده یا به زندانهای طولانی و به جرمهای واهی و بی اساس تجزیه طلبی محکوم شدند. تا نیمه دهه پنجاه شمسی حدود ۶۰ یا ۷۰ درصد زندانیان زندان اهواز عرب بودند و این نمایانگر مشارکت همه جانبه خلق عرب در مبارزه همگانی ملت ایران بر علیه دیکتاتور است. متأسفانه روشنفکران انقلابی ایران از ترکیب بندی جمعیتی و طبقاتی خلق عرب ایران و مبارزه آنان جهت احقاق حقوق ملی خویش اطلاعات کمی دارند. سالهای ۴۲-۴۶ شاه دست کوشی و فعالیت چشمگیری از سوی عناصر میهن پرست خلق عرب بود. موضوع اعدام و اسارت دهها تن از فرزندان خلق ما بشکل وسیعی در مطبوعات و خبرگزاریهای جهان

مطابق تحلیل شده است. می خوانیم :
"امارات عربی محمره (خرمشهر کنونی) در دوران حاج جاوید گسترش یافته و شهرت جهانی پیدا کرد. تا این هنگام امیران محمره بدون تاخیر پذیرای ازسوی دولتهای ایران و عثمانی سیطره خود را حفظ کرده بودند.

هنگامی که دو طرف متخاصم ایران و عثمانی قادر به اعمال سلطه خود بر امیر محمره نشدند معاهده‌ی دوم ارض روم در سال ۱۸۴۷ میلادی امضاء کردند. این معاهده در ۲۱ مارس سال ۱۸۴۷ میلادی توسط میرزا تقی خان امیر کبیر نماینده دولت فارس (ایران) و انور افندی نماینده دولت عثمانی در ارض روم امضاء گردید. بموجب این معاهده دولت ایران از ادعای خود بر منطقه سلیمانیه عراق دست برداشت و دولت عثمانی نیز از ادعای خود بر منطقه عربستان (خوزستان جنوبی) صرف نظر کرد. اما علیرغم این قرارداد درگیریهای بین ایران و عثمانی پایان نپذیرفت.

ناصرالدین شاه پس از این وقایع بصلاح خود دانست که حقیقت موجود را بپذیرد و وجود اعراب از جانب حکام ایران به رسمیت شناخته شد. ناصرالدین شاه قاجار فرمانی جهت تشییع و رسمیت این حکم موجود صادر کرد. این فرمان که در سال ۱۸۵۷ از سوی حکومت فارس (ایران کنونی) صادر و به امضاء ناصرالدین شاه قاجار رسید به ترتیب زیر است :

- ۱- امارات محمره به حاج بریسن مراد و پسران وی به فرزندانش تفویض میگردد.
- ۲- گمرکات زیر نظر دولت ایران بوده و امیر محمره به نیابت از آن دولت آنرا اداره میکند.
- ۳- ما جوری از طرف دولت ایران در محمره اقامت میکنند که سمت نمایندگی نزد امیر محمره را دارد. و وظیفه او فقط منحصر به امور بازرگانی است.
- ۴- پرچم امارت همان پرچم ایران است.
- ۵- پول متداول در امارت محمره همان پول ایران است.

شیخ خزعل بن جاوید مراد در سال ۱۸۶۲ میلادی تولد یافت و پس از قتل برادرش شیخ مزعل در سال ۱۸۹۷ میلادی به حاکمیت رسید. شیخ خزعل در دوران حاکمیت خود در منطقه از نوعی خودمختاری برخوردار بود. گرچه دشمنانش تهمت استقلال به او می بستند ، رضا خان پهلوی یکی از دشمنان شیخ خزعل در صفحه ۳۸ کتاب خاطرات خود چنین می نویسد :

"شیخ خزعل امیر مستقلی در محدوده مرزهای خود بود و حکومت مرکزی تهران هیچگونه سلطه‌ای بر وی نداشت. سالها میگذشت بدون اینکه خراجی به دولت بپردازد. جز آنکه احیاناً هدایای شخصی برای شاه ایران می فرستاد".
شیخ خزعل که زوال سلسله قاجار را نزدیک میدید سعی بر آن داشت اعلام استقلال کند. انگیزه وی در این کار رابطه نزدیکی است که با امپریالیسم انگلیس داشت. شیخ خزعل در هفتم دسامبر ۱۹۲۰ میلادی نامه‌ای از سفیر بریتانیا در تهران دریافت کرد. "سر آرتور هارتینگ" در این نامه ضمن حمایت از امارت محمره چنین میگوید: محمره را از هر گونه هجوم دریایی دولتهای بیگانه به هر عذر و بهانه که باشد حمایت میکنیم. بدین ترتیب بود که بریتانیا نفوذ خود را در امورا مارت محمره گسترش داد. در سال ۱۹۰۷ قرارداد مبتنی بر تقسیم ایران میان دولتهای روسیه تزاری و انگلستان منعقد گردید. بموجب این قرارداد منطقه جنوبی و سواحل آن تحت نفوذ سیاسی انگلستان و مناطق شمالی ایران تحت نفوذ سیاسی روسیه تزاری قرار گرفت. ولی مناطق مرکزی بی طرف اعلام شد. شیخ خزعل از این موقعیت سیاسی استفاده کرده و قصد استقلال نمود. امپریالیسم انگلیس در ابتدای کار او را تشویق میکرد. خزعل اشخاصی را از سوی خود برای اداره امور داخلی منطقه به اطراف و اکناف میفرستاد. وی در این مورد برای فرزندان خود اولویت قائل بود. در سال ۱۹۰۴-

هواز را بجا بیاورد به صورت آورده. این امر در سال ۱۳۰۴ مطابق با ۱۹۲۰ صورت گرفت.

جنبشهای توده‌ای خلق عرب در ۶۰ سال اخیر

پس از ورود لشکریان رضا خان نگرانی شدیدی خلق ما را در بر گرفت. مهمترین عوامل این نگرانی سیاست رژیم رضا خان مبنی برستم ملی و چپاول منافع طبیعی و تحمیل مالیاتهای سنگین بود. خلق ما این نگرانی خود را با خیزشهای توده‌ای پی در پی نشان داد. این جنبشها توانستند در جهت مخالفت با رژیم شاه در میان خلق عرب روشنگری کرده و موجب قیامهای متعدد محلی گردید. که مهمترین آنها عبارتند از :

- ۱- قیام اتباع شیخ خزعل معروف به قیام غلمان که بعد از ورود لشکریان رضا خان صورت گرفت.
- ۲- قیام حویزه (دشت میشان) در سال ۱۳۰۷ خورشیدی برابر با ۱۹۲۸ میلادی. این قیام توسط روستائیان شرفه و به رهبری شهیدیحیی زبیب صورت گرفت. این جنبش توده‌ای و عظیم بود و تا حدود درگیری مسلحانه پیش رفت. ارتش پهلوی تنها زمانی توانست این جنبش را فرو نشاند که سلاحهای گوناگون حتی هواپیماهای جنگی خود را بی آنکه هیچ فرقی میان مردم ما از زن و بچه و پیر و جوان قائل باشد بکار گرفت.
- ۳- قیام عشایر بونی طرف این قیام ادامه قیام سابق لذکر بود. و در همان سال روی داد. که بنوبه خود با زور سرنیزه سرکوب شد. و در سرکوب این جنبش نیز از هواپیما استفاده شد. روستاهائی را که آتش جنبش در آن شعله ور بود با ساکنین آن بمباران کردند. پس از آنکه رژیم پهلوی زمام امور را بدست گرفت بسیاری از مردم ما را از شهر خفا جبهه (سوسنگرد کنونی) که یکی از شهرهای شرقی منطقه است تا تهران و از آنجا به شهرهای شمال کوچ دادند. بسیاری از

مهمترین عوامل شکست عبارتند از :

- ۱- هریک از این قیامها در منطقه معینی آغاز شده بود، بطوریکه وحشت رژیم از گسترش دامنه آنها به مناطق دیگر ابرار آن میداشت که صریحاً "و با تمام نیرو به مقابله و سرکوب آنها اقدام نماید. هر چند در این میان ممکن بود زیا نهیای بسیاری را نیز تحمل کند.
- ۲- وجود تضادهائی میان خود قیامیل عرب که رژیم از این تضادها سوء استفاده کرده و به سرکوب جداگانه هر کدام از این قیامها اقدام مینمود.
- ۳- کمبود آگاهی سیاسی در سطح توده‌های خلق که از عقبسب ماندگی آنها و نیز سیاست اعمال محدودیت فرهنگی از سوی رژیم حاکم ناشی میشد.
- ۴- فقدان رهبری سیاسی و در نتیجه ناتوانی در آگاهی دادن صحیح به توده‌ها به شکلی که ادامه کاری را در امر مبارزه امکان پذیر سازد.

پیدایش تشکیلات سیاسی

خلق عرب ایران سالیان درازی است که ازستم ملی و طبقاتی رنج میبرد. ستمی که از جانب دستگاه استبدادی حاکم بر ایران و امپریالیسم بدان وارد شده است. مردم عرب ایران که همگام با سایر خلقهای ایران بر علیه دیکتاتوری فاشیستی مبارزه کردند، دارای تاریخی مملو از مبارزه و از خودگذشتگی جهت رهایی ملی و طبقاتی هستند. و به هنگام جنگ جهانی دوم کارگران عرب آبادان همراه با سایر همزنجیران خود برای احقاق حقوق ملی و طبقاتی خویش خونهای فراوانی نثار راه آزادی نمودند و سپس در جریان ملی کردن نفت به رهبری دکتر محمد مصدق همراه با سایر زحمتکشان شهرهای اهواز دشت میشان، خرمشهر، شادگان و دیگر شهرهای عرب نشین همراه با زحمتکشان شهرهای دیگر ایران بیخاستند. جنبشهای ملی خلق عرب ایران در سالهای بعد وضعیت

فرزندان خلق ما بشکل وسیعی در مطبوعات و خبرگزاریهای جهان انعکاس یافت. فشا روخفتان رژیم از فرزندان خلق عرب از ما م وطن گردید. افراد مذکور برای روشن کردن افکار عمومی جهان نسبت به ستمهایی که از سوی رژیم نژادپرست ایران در حق خلق ما اعمال میشد در خارج از میهن به فعالیت پرداختند. تشکیلات جبهه‌های متعددی را بوجود آوردند. این سازمانهای جبهه‌ای بخاطر فقدان آنچنان برنامه سیاسی که استراتژی و تاکتیک آنها را مشخص نماید و نیز بخاطر عدم وجود تجربیات سیاسی تشکیلاتی بسرعت در معرض ضربه‌های شدیدی قرار گرفت. این جبهه‌ها هیچگونه هماهنگی میان خود و جنبشهای سایر خلقهای ایران بوجود نیاوردند و از جنبش آزادیبخش ایران نیز ارزیابی درستی نداشتند. اینها مسائلی بود که از تنگ نظری این جبهه‌ها ناشی گردیده، باعث میشد که متقابلاً برخی احزاب و گروههای ایرانی جنبش خلق ما را جنبش تجزیه طلبی ارزیابی کرده و در نتیجه این احزاب و جریانها در برنامهمسئله خلق عرب را مطرح نکرده‌اند. از سال ۵۴ - ۴۹ گروههائی از پیشاهنگان خلق عرب ایران دستاوردهای بسیاری کسب نمودند. در این میان توانستند روابط مبارزاتی خود را با جنبشهای آزادیبخش جهان و نیز ریزی کنند. همچنین با جنبش انقلابی ایران از راه احزاب و جریانهای ملی آن ارتباط خاصی را برقرار نمایند. این گروهها طی مدت مذکور بیش از ۲۷ عملیات نظامی انجام داده و طی همین مرحله شهدا و زندانیان بسیاری نیز تقدیم پیشگاه خلق نموده‌اند.

موقعیت اجتماعی خلق عرب ایران



خلق عرب ایران، به سبب جدائی زپان، فرهنگ، آداب و رسوم، با رستگین فشار و تبعیض را بدوش کشیده است. رادیو، تلویزیون و مطبوعات که در خدمت رژیم فاشیستی واریا بسان امپریالیستیش میباشند، در سالهای اخیر این مسئله را بویژه در خوزستان شدت بیشتری بخشیده اند. پس از سقوط شیخ خزعل و انضمام کامل عربستان (خوزستان جنوبی) به حکومت مقتدر مرکزی، قدرت سیاسی از دست اعراب خارج گردید. بدنبال استقرار سلطه سیاسی مرکزی و جاری شدن سیل مهاجرین از سایر شهرهای ایران بتدریج سلطه اقتصادی نیز از دست اعراب بومی خارج شد. فشار سیاسی سلطه فاشیستی و مبارزه نژادپرستانه فرهنگی باعث شد که خلق عرب ایران تکامل اقتصادی و بالاطبع سیاسی - فرهنگی - خود را بطور طبیعی طی نکنند. بطوریکه اکنون گذشته از روستا ثنائی که در بیشتر روستاها بصورت نیمه عشیره ای زندگی میکنند، اکثریت کارگران و معات صنعتی شهرهای بزرگ خوزستان را مردم عرب تشکیل میدهند، محله های فقیرنشین دره (چهل متری) خرمشهر، دهکده بریم آبادان، لشگرآباد، رفیش آباد، گامیش آباد، وزاغنه نشینان اطراف زندان قدیم اهواز وزاغنه نشینان بین شاهپور و ما ه شهر و... الخ، را اعراب بومی تشکیل میدهند. مردم عرب ایران در قشر متوسط شهری (کارمندان، کسبه و پیشهوران)، نسبت ضعیفی را تشکیل میدهند ولی تعدادشان در میان سرمایه داران تجاری و صنعتی به صفر میرسد. مالکیت کارخانه های عظیمی چون کارخانه نورد شهریار، لوله سازی و صدها شرکت حفاری بارزگانسی و صنعتی اکثرا "به سرمایه داران غیر عرب تعلق دارد. مردم عرب ایران در ارتش نیز بمناسبت و درجات عالی نرسیده اند. بجز تک و توکی جداگش تا درجه سروانی، نمی توانستند از سربازی و گروهیانی بالاتر بروند. تقریباً در مورد سایر مناصب عالی اداری و کشوری این مسئله نیز صادق است. خلق عرب ایران در یکسوی دو سال اخیر که قیام ملت ایران بر علیه رژیم فاشیستی واریا بسان

ملت دیگری را برده خود سازد. در مورد نوع خودمختاری که باید به خلق عرب ایران اعطاء گردد بستگی به عوامل چندی دارد: اولین عامل اینست که حقوق ملی مردم عرب باید برابر با حقوق سایر ملیتها نظیر ترکها و کردها و... باشد. ثانیاً نمیتوان از تجربه کشورهای که در این راه پیشگام بوده و حقوق ملیتها خود را به تمام و کمال اعطا نموده اند، استفاده کرد. ثالثاً "بر طبق اسناد تاریخی بعد از اسلام و بویژه اسناد تاریخی دوره قاجاریه و قاجارون اساسی انقلاب مشروطیت حاکی از وجود و حاکمیت خلق عرب در منطقه و در محدوده ایران است. ماده ششم نظامنامه انتخابات مجلس شورا یملی مصوب سال ۱۳۲۴ هجری و ماده ۱۰ نظامنامه انتخابات مصوب سال ۱۳۲۷ هجری از این منطقه بنام عربستان یاد میشود که همین خوزستان جنوبی کنونی است. رضاخان پهلوی با نقض قاجارون اساسی مشروطیت که خون بهای شهدای خلقهای ایران در این دوران است نام حقیقی و تاریخی منطقه را تغییر و نام خوزستان را که فقط مختص شمال منطقه که غیر عرب نشین است، بر تمام منطقه تعمیم داد. ماده ششم نظامنامه انتخابات مجلس شورا یملی مصوب سال ۱۳۲۴ هجری پس از بر سر مردن تعداد نمایندگان ایالات ولایات مختلف ایران تعداد نمایندگان عربستان و لرستان و بروجرد را ش نفر ذکر میکنند و در قاجارون بعدی نظامنامه انتخابات مصوب سال ۱۳۲۷ هجری با رد دیگر نام عربستان را با سه نفر نماینده ذکر میکند. این نشانگر آنست که رضاخان خود سرانه و بر مبنای افکار فاشیستی و شوونیستی خود نام منطقه را از عربستان به خوزستان تغییر داده است. شدت این افکار نژادپرستانه وقتی مشخص میشود که خود شاه عدم تغییر نامهای کردستان، بلوچستان، آذربایجان و ترکمن صحرا هستیم. این شخص نژادپرست حتی لفظ عربستان را که کلمه ای فارسی است بمنظور سرکوب و محو اش وجودی اعراب از قلمرو

عربستان (خوزستان جنوبی) ۹۰٪ - ساکنین آنرا اعراب بومی تشکیل میدادند که در زیر سلطه خزعل نسبت به حکومت مرکزی دارای نوعی خودمختاری بودند، سیل مهاجران از سایر شهرهای ایران به عربستان نسبت جمعیت را در شهرهای مختلف تغییر داد. البته این تغییر نسبت فقط در مورد شهرهای صنعتی نظیر اهواز و آبادان صادق است ولی تمام روستاهای منطقه بطور کلی ۱۰۰٪ عرب هستند. قصد از طرح این مسائل با زکشت زحمتکشان ساکنین خلقهای ایران به شهرهای آنان نیست و این اندیشه های ارتجاعی است. اما توجه بدین نکته مهم است که تحلیل علمی وضع طبقاتی شهرهای صنعتی نظیر اهواز و آبادان ما را بدین نتیجه میرساند که اکثریت خلق عرب را طبقات پائین اجتماع و دیگر قشرهای زحمتکش تشکیل میدهند. این نکته نیز حاکی از اهمیت است که قشرهای متوسط و رفاه را غیر اعراب تشکیل میدهد و اعراب در این قشرها نسبت به جمعیت خود بخش کوچتری را تشکیل میدهند. بعلاوه تبعیض و ستم ملی که بر خلق ما در این پنجاه سال اخیر وارد آمده، آنان را در تقسیم بندی طبقاتی در محرومترین طبقات یعنی کشاورزان و کارگران جای داده و امکان شکارتن پوسته این طبقات و صعود به دیگر قشرها را از آنان گرفته است. در شهر اهواز در صد بیشتر کارگران کارخانه های نورد، صنایع فولاد، شرکت نفت، توانیر، راه آهن، شهرداری و دیگر کارخانه ها را مردم عرب تشکیل میدهند. مستخدمین مدارس، ادارات دولتی، بیمارانها، رانندگان تاکسی، ماشینپاها و دیگر قشرهای از این نوع را مردم عرب تشکیل میدهند. در طرف مقابل اکثریت پیشهوران، تجار بزرگ، سرمایه داران متوسط و بزرگ را غیر اعراب تشکیل می دهند. کارمندان عرب در میان سایر کارمندان اعمال کارمندان دولت و شرکتهای خصوصی نیز کمتر از دیگر اقوام ساکن در اهوازمی باشند. مردم عرب بعلاوه همین موقعیت طبقاتی خود در فقیرترین و کمترین مجلات شهر زندگی

سابق الذکر مشهود است. با وجود نیروی کارگری مهاجر غیر عرب، اکثریت کارگران مؤسسات صنعتی و بازرگانی عرب هستند. در اینجا اعراب بخشی از بازرگانان و بیماکاران و بخش بزرگی از پیشهوران و کسبه را تشکیل می دهند. بخشی از مردم بومی به صید ماهی مشغولند. تمام روستا ثنائی خرمشهر که حالتی نیمه عشیره ای دارند، عرب هستند و بکسار کشاورزی و نخلداری مشغولند. شهرستان دشت میشان که از سوسنگرد و حویزه و بستان تشکیل میشود، اساساً "منطقه ای کشاورزی است و هیچگونه اثری از صنعت در آن یافت نمیشود. هر چه که بطرف هورا لعظیم (مرز عراق) پیشتر رویم وضع زندگی روستا ثنائی رقت بارتر میشود. در اکثر روستاها نه از برق خبری هست و نه از آب آشامیدنی تصفیه شده. منازل از کبرهای حصیری تشکیل میشود. در اکثر روستاها مینای کشت گندم، جو و گاهی برنج میباشند. تعداد مدارس خیلی کم است، در مناطق مرزی صید ماهی و حصیریافی نیز معمول است. صیفی کاری نیز بمیزان کمی به عمل میآید. در اینجا نیز یکپارچگی فرهنگ عربی وجود دارد. به سبب مرزی بودن منطقه و بمنظور سرکوبی مردم عرب، رژیم گذشته آنجا را شدیداً "میلیتاریزه کرده و ساواک بمدت ۱۵ سال حاکم و فعال ما پیشاء بود. هم اکنون علاوه بر پادگان دشت میشان در حمیدیه، هنگ ژاندارمری و مرزبانی نیز وجود دارد که گویای توجه فوق العاده رژیم فاشیست گذشته و نقش سرکوبگرانها و رادرمورد مردم عرب منطقه نشان میدهد. این مسئله در مورد سایر مناطق مرزی عرب نشین نیز صادق است. مردم عرب روستاهای شوش موقعیت بهتری از سایرین ندارند. فقر اقتصادی و فرهنگی ناشی از ستم و تحقیر ملی، زندگی مردم را در حالت قرون وسطائی نگه داشته است. با ایجاد کشت و صنعت ایران و آمریکا و نظایر آن مردم رازخانه و کارخانه خود کردند و آنان را بکارگران روز مزد تبدیل نمودند. روستا ثنائی حاشیه رودخانه دز، نظیر روستاهای خاور - یا مذر حریه - سادات - فواضل - کعبه - م، عه - نسبه شعبان سلطه

روی کار آمدن رژیم رضاخان ۹۰٪ مردم شهرها و روستاهای خوزستان جنوبی (عربستان) عرب بودند. بعدها بسبب مهاجرت از سایر شهرهای ایران این نسبت تغییر نمود. هم اکنون حدود ۷۰٪ مردم شهر و روستاهای این منطقه عرب هستند. اینک نسبتهای تخمینی را در شهرها و محله های مختلف ذکر میکنیم.

اهواز

- همه روستاهای اهواز بطور مطلق عرب هستند. مهم ترین روستاهای پر جمعیت اهواز: فردگان، ویس، ملاثانی، حمیدیه، ملاشیه میباشند. نسبت جمعیت عرب در محله های مختلف شهر بشرح زیر است:
- لشگرآباد ۸۰٪
- محدوده کمپل و خوشا یار ۶۰٪
- امانیه ۲۰٪
- کیا نیارس ۲۰ - ۳۰٪
- محدوده آخرا سفالت ۹۰٪
- محدوده زند - سی متری - نادری ۷۰٪
- محدوده زند - باغ شیخ - یوسفی ۵۰٪
- محدوده شاهپور - سی متری - بیست و چهار متری ۶۰٪
- خزعلیه ۹۰٪
- حصیرآباد ۶۰٪
- زیتون کارمندی ۴۰٪
- زیتون کارگری ۵۰٪
- نیوساید ۲۰٪
- کوی نیرو ۶۰٪
- کوی کارون ۳۰ - ۴۰٪
- کوت عبدالله ۱۰۰٪
- گامیش آباد ۱۰۰٪

آبادان

- همه روستاهای آبادان بطور مطلق عرب هستند. مهمترین روستاهای آبادان عبارتند از: قصبه، جزیره مینو، شهبه، خسروآباد، منبوجی. نسبت جمعیت مردم عرب در محله های شهر: محدود شهر ۴۰٪
- کشیه ۶۰٪
- احمدآباد ۴۰٪
- بوآرده ۳۰٪
- سده و کارون ۴۰٪
- بهنشیر ۳۰ - ۴۰٪
- فرح آباد و شاه آباد سابق (کوی صدق) ۴۰ - ۵۰٪
- بریم ۱۰٪
- دهکده ۱۰۰٪

سال اخیر که قیام ملت ایران بر علیه رژیم فاشیستی و اربابان امپریالیستش به اوج خود رسیده چه در شهرهای زراعتی نظیر شادگان (فلاحیه) و دشت میثان و چه در جنبه رزمنده‌ی کارگری نظیر شرکت نفت، صنایع فولاد، پالایشگاه آبادان، بارانبداز بندر خرمشهر و دیگر موصفات صنعتی و بازرگانی شهرها همراه با سایر مردم ایران بی‌خاسته است. اکنون مسئله خلق عرب ایران از مسئله مردم ایران جدا نیست. خلق عرب این قدرت را دارد که دوشادوش سایر خلقهای ایران به مبارزه برعلیه ارتجاع و امپریالیسم تا پیروزی نهایی ادامه دهد. مشارکت همه جانبه خلق عرب ایران در اعتصابات، تظاهرات و سایر اشکال مبارزه در قیام کنونی مردم ایران بر علیه استبداد نشان داد که خلق عرب بهیچوجه خود را از سایر مردم ایران جدا نمیداند، و اگر در گذشته برخی جنبشهای مردم عرب احیاناً رنگ تجزیه طلبانه بخود می‌گرفت ناشی از خفقان و سکوت ظاهری سایر مردم ایران بوده است. که خلق عرب بنه تنها خود را از حمایت آنان در برابر رژیم نژاد پرست شاه محروم میدید، بلکه تبلیغات نژاد پرستانه رژیم استبداد در برخی مردم فارسی زبان نیز تا شيرگذاشته و باعث میشد که به مردم عرب بدیده دیگری بنگرند و حتی آنها را تحقیر کنند. ولی با آگاهی مردم و کشف ماهیت فاشیستی رژیم و مبارزه جدایی ناپذیر خلق عرب ایران همراه با سایر مردم ایران در یکسال اخیر باعث شده تا شیران تبلیغات سوء کاسته شده و برادری و یکپارچگی مبارزه جویانه جای آنرا بگیرد.

بدیهی است که بزای ریشه کن نمودن این تحقیر و تبعیض ملی نسبت به اعراب باید هم اکنون به وسیله آموزش انقلابی برادری و برابری ملی را جایگزین تحقیر و تبعیض نمود. شک نیست که بر طبق یک اصل مشهور هرملتی حق تعیین سرنوشت خویش را دارد و هیچ ملتی نمیتواند

فارسی است بمنظور سرکوب و محو اش و وجودی اعراب از قلمرو سیاسی جغرافیائی ایران بیگانه کرده است.

بها اعتقاد ما تقسیمات کشوری جدید با بیدرمینای اکثریت وجودی اعراب ایران انجام بگیرد و منطقه بنام تاریخی آن نامگذاری شود. بدیهی است که در محدوده جغرافیائی عربستان ایران حقوق سایر مردم ایران در منطقه خود مختار بطور کامل حفظ خواهد شد.

دین مردم

دین اکثریت خلق عرب ایران اسلام است و تابع مذهب شیعه اثنی عشری هستند، اقلیتهای مذهبی دیگری نظیر صیبه (مانئین) و چند خانواده مسیحی و کلیمی نیز وجود دارد.

نتایج سیاست رژیم پهلوی نسبت به خلق عرب

هیچکدام از خلقهای ایران بجز خلق بلوچ در زمینه های اقتصادی و سیاسی نظیر خلق عرب عقب نگه داشته نشده اند، هر چند که تضادهای دیرینه تاریخی عرب و عجم برفشار و تبعیض نسبت به خلق عرب افزوده است.

نگاهی گذرا بموقعیت طبقاتی این خلق در منطقه نشان میدهد که تا چه حد ستم و تحقیر ملی باعث عقب ماندگی و فقر اقتصادی مردم عرب شده است. ستم و تحقیری که در سرزمین و وطن اصلیشان بر آنان وارد شده است. کشف منابع نفتی در اوائل قرن اخیر در منطقه و وجود شرکتها خصوصی وابسته به نفت و دیگر موصفات صنعتی و بازرگانی مهاجرت دیگر اقوام ایرانی را به این منطقه و بویژه درده سال اخیر به میزان فراوانی سبب شده است. این علاوه بر مهاجرت اجباری است که رژیم سابق شاه و ساواک بطور مستقیم و غیر مستقیم عامل و مشوق آن بوده اند. اعراب ساکنین بومی و اولیه این منطقه میباشد، قبل از تسلط کامل رضا خان بر

موقعیت طبقاتی خود در فقیرترین و کثیفترین محلات شهر زندگی میکنند. در خانه های پنجاه یا صد متری لشکر آبا دور فیش آباد عرب نشین بطور متوسط ۱۵ تا ۱۸ نفر زندگی میکنند، در صورتیکه به عنوان مثال کارمندان مرفه و سرمایه داران غیر عرب که از دیگر شهرها میباشند، علاوه بر اینکه اکثر آنها در شهرهای خود صاحب خانه و زندگی میباشند، در محلات متوسط یا بالای شهر زندگی میکنند. بعنوان نمونه در محله امانیه مرفه نشین در هر سیصد تا چهار صد متر سه تا پنج نفر زندگی میکنند.

مردم عرب که بیش از ۷۰ تا ۸۰ درصد جمعیت خوزستان جنوبی (عربستان) را تشکیل میدهند، فقط صفر تا ده درصد تعداد کل دانشجویان و یک درصد کل استادان دانشگاه اهواز را تشکیل میدهند. و این رقم وحشتناکی است که تنها دلیل آن موقعیت طبقاتی خلق محروم ما میباشد. رژیم فاشیست و نژاد پرست گذشته امکان هرگونه پیشرفت و تکامل اقتصادی و فرهنگی را از مردم عرب گرفته بود.

در آبادان کارگران عرب در مدبزرگی از کل کارگران را تشکیل میدهند. بخشهایی از پیشهوران نیز عرب هستند. قشر متوسط و مرفه نظیر هتلداران، صاحبان وسایل حمل و نقل، کارمندان عالی رتبه شرکت نفت، سرمایه داران و صاحبان شرکتها خصوصی و بازرگانی اکثر آنها غیر عرب هستند. کارمندان جزء شرکت نفت و سایر ادارات و شرکتها به نسبت کوچکی از اعراب تشکیل میشوند و این در مقایسه با جمعیتشان نمایانگر موقعیت اجتماعی آنان است. عاملی که باعث فزونی جمعیت اعراب بر دیگران در آبادان میشود وجود آنان در حاشیه رودخانه بهمینشیر و دهکده بریم میباشد، که بیشتر به مغازه داری و دست فروش و احياناً قاچاق اشتغال دارند، همچنین نیروی کارگری ذخیره را تشکیل میدهند. خرمشهر وضعیت دیگری دارد. از آنجائی که از طرفی مردم شهر عرب هستند، یک پارچگی فرهنگی بیش از دوشهر

در نظیر روستاهای خاور یا مدر حریه - سادات - فواضل - کخب مزرعه - نیس و شعبیه زیر سلطه فئودالهای عرب و سرمایه داران غیر عرب بسر میبرند و از کمترین امکانات زندگی بهره مند نیستند. اعراب روستاهای جنوب دزفول و منطقه دهلران که بیشتر به دامداری مشغولند از قبایل بنی لام و فغانه و طرفه تشکیل میشوند و بخش عمده ای از جمعیت اعراب را تشکیل میدهند. اعراب روستاهای جنوب را بهر مز و شوشتر، عمیدیه معشور، هندیمان و دیلم وضع بهتری از سایر هموطنان عرب خود ندارند. بخصوص روستایان عرب هندیمان و دیلم که بعیت نفتا سب بودن زمین جهت کشت و ریزی خیابان عظیم کارگران شرکتها ساختمانی را در شاپور و معشور تشکیل می دهند. در روستاهای شادگان و در حاشیه رود جراحی کشت گندم، جو و صیفی کاری معمول است. در اینجا نیز مردم عرب از حداقل شرایط زندگی نیز برخوردار نیستند. در بغل گوش همین مردم گرسنه و فقر زده شرکتها امپریالیستی و همکاران ایرانی آنها میلیاردها ریال سودا زیابت است شما رگاز این زحمتکشان به جیب میزنند. روستاها فاقد آب تصفیه شده فاقد برق، حمام و دیگر موصفات حداقل زندگی هستند. اکثریت کارگران در کارخانه های پترو شیمی و دیگر موصفات صنعتی و بازرگانی شاپور و اعراب بومی تشکیل میدهند. با وجود استعداد فنی فراوانی که در آنها وجود دارد تکنیسین ها و متخصصینی از سایر مناطق آورده میشوند. تمام این موصفات وابسته به امپریالیستها و نظیر امپریالیستهای ژاپن و آمریکا است. در کار در فنی و کارمندی این موصفات اثری از اعراب نیست. اعراب زاغه نشین میان شاپور و معشور لکه ننگی به پیشانی امپریالیسم و شرکای ایرانی آنان است.

نسبت تخمینی جمعیت مردم عرب

در شهر و روستا

همانطور که قبلاً ذکر شد پیش از

مصدق (۴ - ۵۰٪
بریم ۱۰٪
دهکده بریم ۱۰۰٪
نخلستان (از انتهای کفیشه تا ایستگاه ۷) ۹۰٪
خرمشهر
تمام روستاهای خرمشهر و شادگان بطور مطلق عرب هستند. حدود ۸۰٪ مردم شهر عرب هستند. این نسبت در مورد شادگان و حومه به ۹۰٪ میرسد.
دشت میثان
تمام روستاهای دشت میثان بطور مطلق عرب هستند این نسبت در شهر سوسنگرد و بخشهای حویس و بوستان به ۹۰٪ میرسد.
شوشتر
۹۰٪ جمعیت روستاهای شوشتر عرب هستند. مهمترین روستاهای شوش، حاشیه رودخانه شاپور و بریدین قرار است: خویس، آل کشیر، عبدالخان کعب، دبات، لویس، عمید، عمه ۴۰٪ جمعیت شهر عرب هستند.
هفت تپه
۸۰٪ کارگران طرح نیشکر و کاغذ سازی پارس و ۵۰٪ کارمندان عرب هستند.
دزفول
۸۰٪ جمعیت روستاهای جنوب دزفول عرب هستند و این جدا از قبایل بنی لام و بیت راشد و اعراب مناطق مرزی است.
شوشتر
تمام روستاهای جنوب شوشتر عرب هستند و ۱۰٪ شهری.
رامهرمز
تمام روستاهای جنوبی را مهرمز و ۲۰ تا ۳۰٪ شهر عرب هستند.
هندیمان
تمام روستاهای هندیمان بطور مطلق عرب هستند که مهمترین آنها روستای صوبره میباشد.

خلف آباد و عمیدیه: ۹۰٪
معشور (ما شهر غیر صنعتی): ۸۰٪
ما شهر صنعتی: ۲۰ تا ۳۰٪

دنباله: نامه سرگشاده

در سالهای غرور آفریننی که مردم قهرمان الجزیره بیباک خاسته و علیه استعمارگران پلید فرانسوی مبارزه می کردند کرملین نشینان برهبری خروشچف و قبحانه اعلام داشتند که این مسأله " امر داخلی" فرانسه است و رویزیونیستهای فرانسه هم آزادی خلق عرب الجزیره را منوط به آزادی کشور "مادر" یعنی فرانسه دانستند و تنها موقعی دست بکار شدند که انقلاب الجزیره گامهای استوار نهائی خود را در بزانو در آوردن استعمارگران فرانسه بر می داشت، برای رهبران مسکو، مسأله ایجاد اخلال و نفوذ در انقلاب الجزیره برای وارد کردن آن در خیل کشورهای اقمار خود مطرح بود. رهبران حزب توده پشتیبان این سیاست مرتدان روسی بودند.

در خاورمیانه و بویژه در رابطه با فلسطین، سیاستهای خیانتکارانه شوروی کاملاً بارزانت رهبران کرملین برای سالها اسرائیل را بر سمیت شناخته، مسأله فلسطین را نادیده گرفته و انقلاب خلق قهرمان فلسطین را مخدوش ساخته اند. رادیو مسکو ادعا میکرد که "کلید حل مسأله فلسطین در دست کشورهای اردن، سوریه، مصر و حسن نظر اسرائیل است." (تکیه روی کلمات از ما است). پراودا در سال ۱۳۴۶ به انقلابیون فلسطینی حمله کرده و آنها را "افراطی" نامید و ادعا کرد که مبارزات مسلحانه آنان عملی مضر، غیر مسئول و ماجرا-جویانه است که بطور عینی به مصالح خلق عرب ضرر میزند. پراودا نوشت: این عمل جنجالی تهی مغزانه شدت به مبارزات سخت و بفرنجی که ملت‌های عرب بخاطر خنثی کردن دنباله تهاجمات اسرائیل ادامه میدهند، ضرر میزند. اما وقتی که دیدند علیرغم آروزهای "مسالمت آمیز" آنان، خلق فلسطین بهمراه سایر خلقهای عرب به دفاع از حق موجودیت خود برخاست، آنها سیاست "نه جنگ و نه صلح" را پیش کشیدند و به دفاع از طرح راجرز و قطعنامه ۲۴۲ سازمان ملل متحد پرداختند و در این رابطه از یکسو به وابسته

مخالفت آنان با رژیم جنایتکار شاه، صرفاً در رابطه با میزان دوستی این رژیم با شوروی بود. مثلاً بمحض اینکه شاه تا حدودی بخاطر حفظ موقعیت خود با شوروی در سالهای ۴۰ کنار آمد، این دارودسته در فرمهای شاه "عوامل مثبت" پیدا کرد و قیام ملی خونین ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ را همصدا با دستگاه های تبلیغاتی مسکو "ارتجاع سیاه" خواند. کافی است یاد آور شویم که رادیو-مسکو در بعد از ظهر قیام ۱۵ خرداد در تفسیر از این قیام چنین گفت: "عناصر ارتجاعی ایران که از اصلاحات این کشور مخصوصاً اصلاحات ارضی ناراضی هستند و افزایش حقوق اجتماعی و توسعه آزادی زنان ایران را بآب میل خود نمی یابند، امروز در تهران و قم و مشهد تظاهرات خیابانی برپا کردند... آشوبی که بوسیله این عده ایجاد شد به قصد ضدیت با اصلاحاتی بود که از طرف حکومت ایران در دست اجرا است و یا برنامه‌های آنها در دست تهیه است. رهبران بلوا و محرکین اصلی آنها برخی از رهبران مذهبی بودند و عناصر ارتجاعی..."

در سالهای بعد رهبران حزب توده از فرسایش تجهیزات نظامی توسط شوروی به ایران، پشتیبانی کردند. قیام مردم تبریز در زمستان سال ۱۳۵۶ را باز هم، همصدا با مسکو نشینان "کار ساواک و وپاش" قلمداد کردند. امروز بر هیچکس در ایران پوشیده نیست که "دفاع" رهبری حزب توده از انقلاب ضد امپریالیستی و دموکراتیک مردم ایران برهبری امام خمینی، صرفاً برای کشاندن این انقلاب به زیر نفوذ چکمه‌های امپریالیسم روس میباشد. متقابلاً روسها، در استفاده از کلیه اهرمهای فشار خود برای جا انداختن رهبران این حزب در ایران کوتاهی نمیکنند. ما شاهد دردها و ناراحتی‌هایی هستیم که انقلاب فلسطین و شخص خودتان نیز در مورد این فشار از جانب رهبران مسکو دست به گریبان آنها میباشید. مردم ما، با همان شور و شوقی

دشمنان حقیقی‌اش تمیز دهد و با دوستان واقعی متحد شود تا مبارزه را علیه دشمنانش پیروزمندانه به جلو راند. ما مطمئنیم که وحدت خلق فلسطین و دیگر خلقهای عرب با خلقهای ایران در مبارزه مشترکشان علیه امپریالیسم، بویژه امپریالیستهای آمریکا و روس و صهیونیسم باز هم فشرده‌تر خواهد شد.

سازمان انقلابی ۱۳۵۸/۲/۹

دنباله: اعتصاب غذای...

را دستگیر و تحویل کمیته میدهند. که بعداً نام قیصری بعنوان عامل ساواک در روزنامه‌ها نوشته میشود. لیکن منتظری مدیرعامل شرکت به بهانه تصرف غیرقانونی دفتر شرکت و بازداشت شخص خود دست به شکار میزند و کارگران را درگیر دادرسی و کمیته‌های مختلف می‌سازد. در ساعت ۱۲ سبب ۲۱ فروردین نیز ما مورین کمیته به محل تحصن آمده سعی در بهیم زدن آن میکنند. ضمناً بطولت کارشناسی کارفرما، کارگران در دوهفته تحصن از وزارت کار هم جوابی دریافت نمی‌کنند.

کارگران دست به اعتصاب غذا میزنند و دونه‌سراز کارگران که به حالت اغما افتاده بودند به بیمارستان برده میشوند و یکی از آنها بنام تیمور احمدی هنوز در بیمارستان بستری است. خانواده کارگران اعتصابی بمدت یک هفته در دفتر مرکزی شرکت تحصن میکنند که برادر شربیماری کودکان دکتورها میگویند که بچه‌ها باید به منازل خود برده شوند و بناچار زنها و بچه‌ها به خانه‌ها بر میگردند. شرکت به کارگران گفته است که حقوق آنها را می‌پردازد، ولی اخراجی هستند و به هیچ وجه حاضر به استخدام آنها نیست. کارگران متوسل پس از چهار روز اعتصاب غذا ضمن انتشار اعلامیه دیگری، پس از ذکر اقدامات قبلی و عدم نتیجه‌گیری از آنها، اعتصاب غذا را قطع کرده و خود را ساواک به دلایل زیر، کارخانه را بدون کارفرما بکار می‌اندازند: - در حالیکه بحران اقتصادی میهنمان را در آستانه ورشکستگی قرار داده

دنباله: صفا آرائی

بدین خاطر است که خطر تجاوز دو ابر قدرت برای کشور ما خطری جدی است بخصوص آنکه مهمترین مسئله سیاسی کشور، یعنی استقلال ملی ما را مورد خطر قرار میدهد. در اینجا به روشنی دو راه در مقابل ما قرار دارد: یا راه سازش و تسلیم طلبی و یا مقاومت و ایستادگی و دفاع از مهین. خلق ما بی‌شک راه دفاع از سرزمین کهن و ملی خویش را در پیش خواهد گرفت. اما تنها اراده به مقاومت، کافی نیست. خلقهای میهن ما باید در مقابل خطرات تجاوز دو ابر قدرت و جنگ جدید، آگاه و هوشیار بوده و تدارک این کار را دیده باشند. تدارک همه جانبه برای دفاع از استقلال و تمامیت ایران ما دارای اهمیت فراوان است زیرا بواسطه حاکمیت طولانی سلسله وابسته پهلوی و غارت امپریالیستی، اقتصاد و دیگر زمینه‌های حیاتی کشور ما، به خارج وابسته است و این یک ضعف بزرگ سیاسی برای ما در صحنه جهانی است که امپریالیستها میتوانند از این وابستگی برای تحت فشار گذاردن ما سوء استفاده کنند. بدین خاطر، بریدن این وابستگی، اتکاء به خلق و تولیدات ملی نقش بس مهمی را برای کسب استقلال کامل ملی و گرفتن ابتکار عمل در دست خود در مقابل امپریالیستها دارد. پیاده کردن خط مشی استقلال کامل، اتکاء بخود و ابتکار داشتن در سایر زمینه‌ها، یک اصل اساسی سیاسی برای تدارک دیدن در مقابل خطرات جنگ و تجاوز ابر قدرتها میباشد. در این اوضاع است که کلیه نیروهای میهن پرست وظیفه دارند که درک خود را از اوضاع پرتلاطم بین المللی بآلایند، برآگاهی و هوشیاری خلق در مقابل خطر امپریالیسم بیفزا بیدار کنند. مسائل و تضادهای داخلی توجه ما را مطلقاً از خطرات بین المللی منحرف سازد. تدارک مادی و معنوی درازمدت در مقابل خطر تجاوز ابر قدرتها به میهن و خطر جنگ، از وظایف کلیه نیروهای ملی، استقلال-طلب و میهن پرست است.

دنباله: خواستهای بحق....

ناگواری خواهد شد که خواست هیچ ایرانی انقلابی و میهن پرست نیست بنا بر این با توجه به اهمیت حمایت دولت انقلابی از زحمتکشان ده و نقش کشاورزی در استقلال ایران، میتوان به مسائلی که در هفت گذشته در منطقه کیا کلاه از توابع قائم شهر از طرف زحمتکشان و اجتماع کشاورزان آروستا و نمایندگان آنها در حضور فرماندار این شهر بعنوان یکی از نمایندگان دولت موقت انقلابی طرح شد برخوردی جدی نمود. در این اجتماع متأسفانه آقای فرماندار بجای اینکه از منافع زحمتکشان دفاع کند بشکلی سیاست پند و اندرز را در پیش گرفته و به دفاع غیر مستقیم از منافع کسانی پرداخت که تا دیروز حاکمان طاغوت بودند و امروز هم خواستار بازگشت جامعه به دوران رژیم منفور هستند و طبیعی است که روستائیان محروم که سالیان در از سنگینی ستم مالکان را بردوش خود حس میکنند نمیتوانند چنین حرکتی را از طرف آقای فرماندار تحمل نمایند و جلسه با صلاح حل مشکلات متشنج شده، در نتیجه آن آقای فرماندار بخود اجازه میدهد به زحمتکش روستائی ما تهمت‌هایی از جمله "هوچی" و "شما وحشی هستید" و "برای شما همان طاغوت خوبست" را بزنند. در اینجا با یاد آقای فرماندار سؤال گردد چگونه نماینده یک دولت انقلابی میتواند چنین برخورد غیر مسئول به زحمتکشانی که در به ضرر رسانیدن انقلاب و حفظ آن نقش اساسی دارند، بنمایند، درست در شرایطی که آنها خواستهای منطقی خود را طرح مینمایند و درست در زمانی که آنها خواستار اقدام فوری برای مبارزه با ضد انقلاب در روستا هستند و باز هم در شرایطی که طرح این خواسته‌ها بمعنای تأمین استقلال ایران در زمینه کشاورزی است. سازمان انقلابی، ستمنا به سازمانی که برای تحقق خواسته‌های

کریبان آنها میبایست. مردم ما، با همان شور و شوقی که در مبارزه علیه امپریالیسم و استبداد و بخاطر بدست آوردن استقلال، آزادی و رفاه اجتماعی دارند و مخالف هر گونه مداخله بیگانگان در امور کشور میباشند، با همان شور و شوق و تحسین بی نظیر از تلاش سخت، از جان گذشته و قهرمانانه خلیق فلسطین که دلی به بزرگی دریاها دارد، پشتیبانی کرده و پیروزی انقلاب فلسطین را پیروزی خود میدانند.

اما مردم ما بحق نگران آنند که دارودسته‌ی بد نام و وابسته به بیگانگان کمیته مرکزی حزب توده با استفاده از وجهه انقلاب فلسطین بکار تخریب در ادامه انقلاب کشورمان و همبستگی اش با انقلاب فلسطین، بپردازد.

مردم ما بخوبی آگاهند که منافات این دارودسته با شما نه دوستانه است و نه برادرانه، بلکه صرفاً سودجویانه میباشد.

ما معتقدیم دوستان شما که کاملاً پشتیبان انقلاب شما هستید و عمیقاً خواستار تحکیم و گسترش روابط انقلابی میباشند توده‌های میلیونی جامعه ما و نیروهای سیاسی ملی و خلقی ایران میباشند نه مشت‌میهن فروش و عامل بیگانه که میخواهند با استفاده از شما آبروی از دست رفته‌شان را باز یابند و در عین حال به انقلاب فلسطین و ایران از پشت خنجر بزنند.

سازمان انقلابی، بنا بر جهان بینی انقلابی خود و وظیفه‌ی بین المللی اش برای سالهای طولانی بطور مستمر به دفاع از انقلاب خلق ستمدیده فلسطین و دیگر خلقهای عرب پرداخته است، امروز هم که به برکت پیروزی انقلاب ایران به رهبری امام خمینی، شرایط بسیار مساعدی برای پشتیبانی باز هم بیشتر خلقهای ایران از انقلاب فلسطین فراهم شده است، سازمان ما در این راه همچنان گام برمیدارد، ما مطمئنیم که خلیق فلسطین مانند همیشه قادر است دوستان واقعی خود را از رابطه از یکسو به وابسته نمودن کشورهای عربی به خود - از نظر تسلیحات - و استفاده از این عامل بعنوان اهرم فشار بر خلقهای عرب منطقه جهت وارد ساختن آنها در جرگه‌ی کشورهای تحت نفوذ خود برداختند (و حتی در بحبوحه جنگ ۱۹۷۳ اعراب و اسرائیل از دادن سلاح و قطعات بدکی به مصر و سوریه خودداری کردند) و از سوی دیگر از طریق گسیل مهاجران یهودی به اسرائیل به تقویت آن اقدام نمودند.

آنها در یمن دموکراتیک در صفوف انقلابیون تفرقه انداختند تا حکومت کنند و خونبهای آنرا نیز خلق عرب یمن داد که بنا قتل سالم ربیع علی زمینه نفوذ امپریالیسم روس افزایش یافت. آنها حق تعیین سرنوشت خلق مسلمان اریتره را که سالها بخاطر کسب آن خون فرزندانش را نثار کرده بود برای همکاری با دولت مرکزی آدیس آبابا فروختند و حتی در سرکوب خلق اریتره، مستقیماً با دولت اتیوپی همکاری می‌کنند.

آنها در عراق بخاطر بدست آوردن امتیاز بیشتر، خلقهای کرد و عرب را بجان هم انداختند و بادسیس بازی گاه با جناح مرتجع رهبری کرد و گاه با دولت مرکزی عراق ساخت و پاخت کردند. زخمهای عراق بویژه خلق بیکر خلقهای عراق بویژه خلق کرد وارد آمده به این زودیها التیام پذیر نیست.

کلیه این سیاستهای رهبران مسکو تماماً و کاملاً مورد تأیید دارو دسته کیانوری قرار داشته است. سیاستهایی که کاملاً مغایر منافع خلقهای عرب و از جمله خلق فلسطین بود.

در ایران نیز ما شاهد سیاستهای ضد ملی، ضد انقلابی و وابسته‌ی رهبران حزب توده بوده ایم؛ بعنوان مثال در دوران ملی شدن صنعت نفت، رهبری حزب توده با تمام قوا به تضعیف حکومت ملی دکتر مصدق پرداخت و در شکست جنبش بزرگ ملی ما در کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ سهم مهمی داشت.

میهنمان را در آستانه ورشکستگی قراردادده - در حالیکه با زوان پرتوان ما بی عمل و بیچهاره‌ی ما گرسنه‌اند. - در حالیکه رهبران انقلاب مرتب ضرورت بکار انداختن چرخهای اقتصاد را متذکر میشوند.

امروز برای ما کارگران یکراه بیشتر باقی نمانده است: گرفتن کارخانه در دست خود و بکار انداختن چرخهای آن با اشکاء به نیروی خود.

جریان اعتصاب متوساک با ردیگر لزوم تصفیه کامل صنایع کشور از عناصر ضدکارگری و وابسته به رژیم سابق و همچنین لزوم توجه فوری وجدی دولت به امور رفاه و معیشت زحمتکشان را برجسته میسازد. راه انداختن چرخهای اقتصادی کشور بدون توجه به خواستههای بحق کارگران امکان پذیر نیست.

دنباله: تظاهرات عظیم...

کمونیستی ایران و مسئله ایجاد حزب طراز نوین طبقه کارگر مربوط میگردد، چه طبقه کارگر بدون ایجاد حزب مستقل سیاسی خود شرط اساسی اولیه را برای کسب استقلال سیاسی و طبقاتی خود ندارد. حزب از طریق وحدت اصولی پیشروان مارکسیست - لنینیست طبقه ایجاد میگردد و در اینجا نیز این وحدت از یک مبارزه سیاسی و ایدئولوژیکی میگردد.

در زمینه سیاسی، در شرایط کنونی ایجاد وحدت منوط به مبارزه و طرفداری طلبی "چپ" در نفی وحدت با توده‌های وسیع جنبش اسلامی از یکسو، و مبارزه و طرفداری در مقابل امپریالیسم روسیه است، بدون حل این دو مسئله تعیین خط مشی صحیح سیاسی برای حزب طبقه کارگر امکان پذیر نیست.

در زمینه ایدئولوژیکی، وحدت اصولی پیشروان مارکسیست - لنینیست طبقه از مبارزه قاطع ایدئولوژیکی با رویزیونیسم مدرن بسرکردگی حزب رویزیونیست شوروی بعنوان انحراف عمده و طرفداری نقطه نظرات تروتسکیستی (چون نفی مبارزه ملی، سکتاریسم طبقاتی و...) میگردد.

تظاهرات سه شنبه رویدادی مهم بود که یکسری مسائل اساسی

روستای سس و بزرگترین سس سس سس تا مین استقلال ایران در زمینه کشاورزی است. سازمان انقلابی بمتابعه سازمانی که برای تحقق خواسته‌های زحمتکشان ۱۶ سال در شرایط مخفی و تسلط تروریست‌ها و مزارع نموده در این بهار آزادی گماکان از منافع زحمتکشان روستایی دفاع کرده مصرا نه از خواسته‌های ۱۰ گانه طرح شده در آن اجتماع پشتیبانی قاطع مینما یید و از دولت موقت انقلابی انجام فوری آنرا خواستار است.

۱- تشکیل خانه کشاورز (شورای ده)
 ۲- اقدام رفاهی در زمینه بهداشت و درمان، جاده، مدرسه آب آشامیدنی.
 ۳- پرداخت وام کشاورزی طویل المدت بدون بهره جهت جلوگیری از نیاز کشاورزان به مالکین شرور و غارتگر.
 ۴- تحویل بذور و کود شیمیایی جهت کشت و تقویت زمین و نیز سموم برای مبارزه با آفات کشاورزی.
 ۵- لغو تمام بدهی کشاورزان به بانکها و مؤسسات کشاورزی و مالکین شرور و غارتگر.
 ۶- فسخ اسنادی که مالکین در زمان باصلاح اصلاحات ارضی از کشاورزان بعنوان بدهی از طریق نیرنگ و زور گرفته‌اند.
 ۷- ایجاد شرایط سهل و آسان جهت استفاده کشاورزان از ماشین‌آلاتی که از عمال رژیم سابق صادره شده است.
 ۸- باز دید و کنترل منظم مهندسی مسئول امور مربوطه جهت آموزش فنون کشاورزی و دفع بموقع آفات
 ۹- واگذاری زمینهای غصب شده توسط مالکان به صاحبان اصلی آنها.
 ۱۰- رفع هرگونه مزاحمت و اخلال مالکان و متنفذین محلی.

سازمان انقلابی با حرکت از موضع تقویت و تحکیم دولت موقت انقلابی تحقق فوری موارد ۱۰ گانه بالا را از مسئولان امور مصرا خواستار است.

سازمان انقلابی
 (بخش ما زیندران - گرگان) ۱۳۵۸/۱/۲۸

دنباله: اعتصاب قالی بافان....

در مقابل این عده که خود را دانشجو خواندند بکارگران برجست "کمونیست" و "خوابکار" می‌زنند، در گفتگو با کارگران باستاندار، استاندار می‌گوید: صنعت قالی بافی رو بزوال است و دولت ضرر می‌دهد و امکان ایجاد کارخانه قالی بافی نیست و کارگران میگویند: چطور زمانی

سیاسی را برای خلق طبقه کارگر و مارکسیست - لنینیست ها برجسته ساخت. ما مطمئنیم که هر سه این بخش‌های خلق قادر خواهند بود قدم به قدم مسائل مبرم را حل کرده و به وحدت بزرگ خلق، وحدت ضد امپریالیستی طبقه کارگر و وحدت اصولی پیشروان مارکسیست - لنینیست طبقه دست یابند.

که قالی‌هایی را که ما سالهای سال با خون و چرک انگشتانمان می‌بافتیم و شماها زیر پایتان می‌انداختید و با کفش بسرویی آنها رفتید این حرف را نزدیک ولی‌حالدولت برای پرداخت حقوق ناچیز ما ضرر می‌کنند؟ در نتیجه بر اثر مبارزه کارگران مقداری وام توسط استاندار در اختیار دانشجویان مسلمان گذاشته میشود که به حدود ۱۰۰ نفر از اشخاص مختلف داده می‌شود. و رادیو میگوید که به ۴۰۰ نفر وام داده شده و در حال حاضر خواست کارگران اینست که دولت بکلیه کارگران قالی بافی چه در منازل و چه در کارخانه‌ها وام بدهد و یک مؤسسه دولتی ایجاد کند که قالی بافان قالی خود را با نرخ عادلانه به این مؤسسه بفروشند قالی بافان حاضر نیستند دیگر در زیر دست اربابان کار بکنند. ایجاد کار برای کارگران قالی بافی خواست اساسی آنان در حال حاضر است.

* اعتصاب غذای کارگران شرکت متوساک *

تعدادی از سها مداران و روسای شرکت در مقابل این خواسته‌های بحق ایستادگی کرده و کارگران مبارز را عده‌ای "فدا انقلابی" و "عوامل بیگانه" میخوانند.

کارگران شرکت تولیدی شن و ماسه متوساک که بخش مهمی از سهام آن متعلق به بنیاد پهلوی بوده است طی انتشار اعلامیه‌های مسائلی و مشکلات خود را مطرح و اعلام نمودند که روز چهارشنبه ۵ اردیبهشت ماه دست به یک اعتصاب غذا خواهند زد. در این اعلامیه میخوانیم: کارگران شرکت متوساک پس از تهدید به اخراج دستجمعی از تاریخ ۱۶ فروردین در دفتر مرکزی متحصن میگرددند. در روز اول تحصن قیصری بیمانگار، که در کمیته نفوذ کرده بود با مسلسل بیوزی کارگران را تهدید نموده و با آنها میگوید: تمام این سربها را حرامتان میکنم. کارگران با توجه به سابقه‌ی او و بقیه در صفحه پنجم

در تاریخ ۵۸/۱/۱۵ حسابدار شرکت متوساک به دستور روسا به کارخانه میروند تا با کارگران تصفیه حساب کرده و آنها را اخراج نماید. این امر با مقاومت و اعتراض کارگران مواجه میشود و کارگران به دفتر مرکزی آمده و در دفتر مرکزی با عنصر پلید ساواک قیصری که پیما نکا شرکت متوساک می باشد رو برو میشوند. در مقابل اعتراض کارگران نسبت به اخراج خود آنها را از دفتر بیرون میکند. در فریاد آنروز کارگران در دفتر مرکزی شرکت متحصن میشوند و ۳ نفر نمایندگان کارگران به وزارت کار و کمیته شکایت میزنند. خواسته‌های کارگران عبارتند از:

- ۱- دریافت حقوق و مزایای عقب افتاده.
- ۲- برگشتن سربکارهای خود.
- ۳- جلوگیری از اخراج کارگران.
- ۴- تهیه وسیله ایاب و دهاب.
- ۵- دریافت دفترچه بیمه‌های دولتی.
- ۶- غذای گرم روزانه.
- ۷- لباس کار.

اعتصاب قالی بافان تبریز

۵۷/۱۲/۲۸ دعوتنامه ای برای انتخاب نماینده کارگران پخش کردند و بعد از انتخابات در حدود ۱۲ نفر بعنوان نمایندگان کارگران قالی بافان انتخاب شدند که در این میان با اعمال نفوذ صاحبان کارخانه‌های قالی بافی و عناصر مخرب نفوذ کرده در کمیته‌ها عده ای از نمایندگان قلابی خود را جزء نمایندگان واقعی کارگران جا زدند. کارگران در تاریخ ۵۸/۱/۸ بخاطر دریافت کلیه حقوق و مزایای خود دست به اعتصاب زدند و ۵ نفر از نمایندگان واقعی خود را از میان ۱۲ نفر انتخاب کردند. بگفته این کارگر در روز تحصن، عده‌ای از طرف استانداری بنام دانشجویان مسلمان به محل تحصن آمده و می‌گویند که ما به شماها وام می‌دهیم کارگران می‌گویند دولت و استانداری نتوانستند مشکلات ما را حل کنند و بما وام بدهند، چطور شما ما که دانشجو

سالیان طولانی است که در اقصی نقاط ایران زنان، مردان و کودکان قالی باف در بدترین شرایط کار میکنند. نوجوانانی که تا بخود می‌بیند در روی دار بست‌ها و در زیرزمینهای نمور و تاریک در سالهای جوانی دچار پیسری زود رس می‌شوند.

اکثر قالی بافان ایران را دختران جوان تشکیل می‌دهند و در مقابل مزد ناچیز، نصیبشان از زندگی تنها فقر و مرض است، اغلب با بیماریهای روماتیسم و کوری تدریجی دست به گریبانند زنان نیز به علت نشستن طولانی بر روی دار بست‌ها اغلب کودکانشان هنگام زایمان تلف و یا ناقص بدنیا می‌آیند.

قالی بافان از هیچگونه مزایای کارگری چون ۸ ساعت کار در روز، بیمه، سود ویژه، مرخصی سالیانه و..... برخوردار نیستند در صحبتی که با یکی از کارگران قالی باف تبریز داشتیم

* رویدادهای هفته *

تظاهرات بزرگ آرامنه

در بیست و چهارم آوریل (۴ اردیبهشت) ۱۹۱۵ بیش از یک میلیون آرامنه ساکن ترکیه وحشیانه بدست عوامل مزدور دولت عثمانی قتل عام گردیدند. امسال، در اولین بهار آزادی، برخلاف سالهای سیاه قبل که آرامنه‌ها ایران یا دیویدا بین واقعرا در سکوت و کورسوی شمعیهای کلیسا و زیر نظر ارتعوامل ساواک برگزار میکردند به برکت انقلاب شکوهمند خلقهای ایران با تظاهرات پرشکوه خود با وحدت و همسوئی با دیگر خلقهای دلاور ایران این مراسم را برگزار نمودند.

پس از کودتای سیاه ۲۸ مرداد، امیرالایسم آمریکا کوشش فراوانی کرد که اقلیت آرامنه‌ها را به آمریکا فراخواند و تخم نفاق در بین خلقهای تحت ستم ایران بپاشد. از طرف دیگر، سوسیال امیرالایسم شوروی نیز با عنوان نمودن اینکه ارمنستان شوروی "بهشت آرامنه" است آنان را به سوی خود میخواند، عده‌ای از آرامنه نیز به ارمنستان رفتند ولی دیری نپایید که ارمنستان را زندان خودیافتند و طعم ستم ملی شونیستهای روس بزرگ را چشیدند. خلق ارمنی با سالها مبارزه بحق خود در کنار دیگر خلقهای ایران بدرستی دریافته است که راهی او بطور تفکیک ناپذیری به راهی دیگر خلقهای ایران و منطقه مرتبط است و تنها با اتحاد با دیگر خلقهای تحت ستم قادر است که بر علیه ستم ملی مبارزه نماید و به خواسته‌های بحق خود دست یابد. آنها بدرستی دریافته‌اند که "کمک" آمریکا نمی‌تواند به روسی هیچکدام قادر به حل مسائل آنها نیست، بلکه می‌کوشند از خواسته‌های بحق آنان برای مقاصد امپریالیستی خود در خدمت رقابت با یکدیگر سوء استفاده کنند.

تا ریح ایران همواره بیانگر وحدت آرامنه‌ها ایران با دیگر خلقهای تحت ستم بوده است

ایران ضمن حمایت از انقلاب شکوهمند ایران و پشتیبانی از امام خمینی و دولت موقت، خواهان مبارزه قاطع علیه امپریالیستها، این دشمنان سوگند خورده خلقهای جهان و ریشه تمام بدبختی‌های خلقهای تحت ستم شدند. و وحدت رزمنده خود را با خلق قهرمان فلسطین و دفاع از مبارزات حق طلبانه انسان اعلام نمودند.

تظاهرات بزرگ خرمشهر

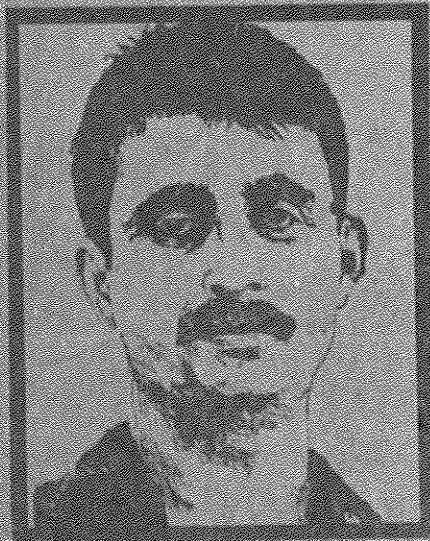
روز جمعه پیش از یکصد هزار نفر از شهرهای مختلف عرب نشین منطقه خرمشهر در مقابل سازمان سیاسی خلق عرب در خرمشهر اجتماع نموده و سپس بطرف منزل آیت الله سید محمد طاهر آل شبیر خاقانی راهپیمایی کردند. آنها با خود شعارهایی در تابلوهای مترقیانه آیت الله آل شبیر خاقانی و همچنین پشتیبانی از هیئت اعزامی منتخب خودشان جهت مذاکره با دولت مرکزی حمل می‌نمودند. تظاهرات کنندگان وقتی که بمنزل آیت الله رسیدند در مسجد امام جعفر صادق و خیابانهای اطراف آن اجتماع کردند. در پایان این اجتماع عظیم قطعنامه‌ای در ۶ ماده قرائت شد که طی آن از مراجع تقلید و هیئت دولت دعوت می‌گردد تا از آیت الله شبیر خاقانی تقاضا شود از تصمیم خود مبنی بر ترک ایران عدول نمایند. بعلاوه ضمن پشتیبانی کامل خود از هیئت اعزامی خلق عرب خوزستان به تهران اعلام نمودند که خلق عرب به هیچ وجه خواهان تجزیه نبوده و این طرز فکر را جدا محکوم و مردود می‌شمارد. در این موقع آیت الله شبیر خاقانی ضمن بیاناتی اظهار داشتند که بنا به خواست مراجع تقلید و شما مردم معتقد و مسلمان موقتاً از تصمیم خود منصرف شد تا دولت اسلامی بتواند بر مشکلات خود غلبه نموده، نسبت به اجرای موازین فترقی، شرعی و بسط

بمناسبت یازدهمین سالگرد شهادت رفیق اسماعیل شریف زاده نوشته زیر را از ستاره سرخ نقل مینمائیم - رنجبر

به یاد

اسماعیل شریف زاده

این یادگار از سینه سال ۱۳۰۰ سالگرد شهادت رفیق اسماعیل شریف زاده است. ما با یاد او همیشه در کنار او خواهیم بود. این یادگار را در روزهای مبارک سالگرد شهادت او در تهران و سایر شهرها نصب می‌کنیم.



اسماعیل شریف زاده در ۱۳۰۰ سالگرد شهادت او در تهران و سایر شهرها نصب می‌کنیم. این یادگار را در روزهای مبارک سالگرد شهادت او در تهران و سایر شهرها نصب می‌کنیم. این یادگار را در روزهای مبارک سالگرد شهادت او در تهران و سایر شهرها نصب می‌کنیم.

در صحبتی که با یکی از کارگران قالیباف تبریز داشتیم در مورد اعتصاب قالیبافان چنین گفت: قالیبافان تبریز کسه در حدود ۱۰۰۰ نفر هستند در تاریخ

مشکلات ما را حل کند و بما وام بدهند، چطور شماها که دانشجو هستید می خواهید وام بدهید و پیشنهاد آنها را رد می کنید. و بقیه در صفحه پنجم

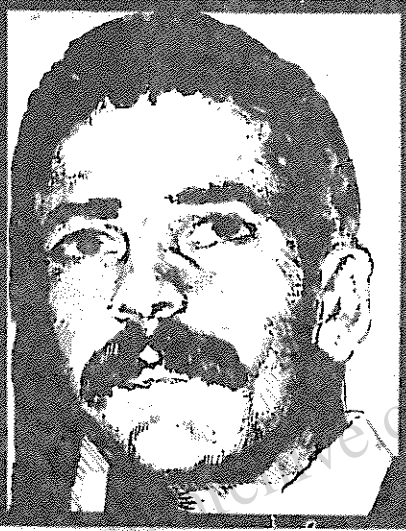
وحدت آرا منتهای ایران با دیگر خلقهای تحت ستم بوده است و خون صدها شهید گرانقدر ارمنی گواهی است بر عزم راسخ و وحدت جدائی ناپذیر خلق ارمنی با دیگر خلقهای ایران . درتظاهرات روز چهارم اردیبهشت ماه امسال، آرا منته

غلبه نموده، نسبت به اجرای موازین مترقی شرعی و بسط عدالت و اعطای حقوق خلقهای ایران اقدام کند. ایشان همچنین اضافه کردند منتخبین شما مردم که به تهران جهت مذاکره با دولت اعزام شده اند، همه بقیه در صفحه دوم

بلت تراکم مطالب دنباله مقاله "شوروی؛ کشوری امپریالیستی" به شماره آینده مرسول شد

یادرفقای شهید گرامی باد

خواسته های بحق زحمتکشان روستائی



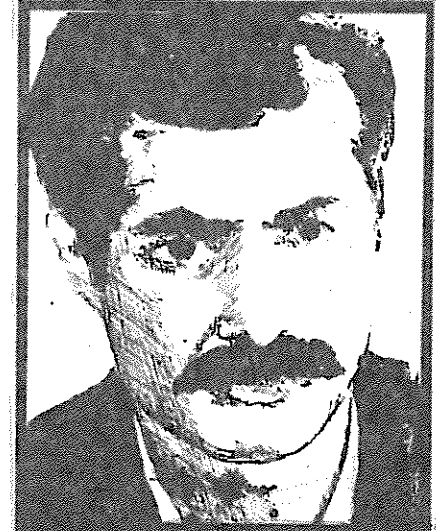
رفیق شهید محمد تقی سلیمانی

(۱۳۵۵-۱۳۲۸)



رفیق شهید خسرو صفائی

(۱۳۵۵-۱۳۱۲)



رفیق شهید کریم پورمحمدی

(۱۳۵۵-۱۳۲۲)

دسته رومیونیستی خروشچف در شوروی، حزب توده به منجلااب رومیونیسم مدرن در غلطیدو به چوب دست تزارهای نوین کرم لین بدل گشت، رفیق صفائی همراه دیگر رفقای مبارز پرچم ما رکسیسم - لنینیسم را برافراشت و بسا رومیونیسم مدرن مرز بندی قاطع کرد و بمثابه یکی از پرچمداران جنبش نوین کمونیستی ایران، در ایجاد سازمان انقلابی نقش فعالی بعهده گرفت. رفیق صفائی از آن پس تمام نیروی خود را در خدمت ایجاد سازمان زنده ما رکسیستی - لنینیستی در ایران در پیوند با کارگران و دهقانان و انجام وظیفه مرکزی ما رکسیست - لنینیستهای ایران یعنی ایجاد حزب کمونیست قرار داد. وظیفه رفیق هر چه بود بقیه در صفحه دوم

بار دستگیر شد. او چند سال بعد از کودتا به خارج رفت و به فعالیت در حزب توده ایران ادامه داد. رفیق صفائی در هر جا که بود سریعاً به سازماندهی و متشکل کردن توده ها برای مبارزه میپرداخت. بنا بر همین خصلت خوب، در خارج کشور نیز در ایجاد و متشکل نمودن جنبش دانشجویی فعال گشت و از پایه گذاران آن بود. او سایر رفقای ما رکسیست - لنینیست داخل حزب توده که اساسی ترین علت شکست جنبش در کودتای ۲۸ مرداد در درمشی رفرمیستی و پارلمانتاریستی حزب توده می - دیدند، به مبارزه علییه رفرمیسم و اپورتونیسم حزب توده و دستگاه رهبری آن دامن زدند و هنگامیکه باروی کارآمدن دارو

در تاریکیهای دوران دیکتاتوری فاشیستی شگاه، انقلابیونی بودند که مشعل مبارزه را هیچگاه بر زمین نگذاشته و با روحیه ای استوار از منافع طبقه کارگر و خلق دفاع کردند و به هنگام شهادت فریاد پیروزی فردای خلق را از میان دیوارهای سنگین زندان عبور دادند و بدین طریق شکنجه گران را به زانو درآوردند. خسرو صفائی، کریم پورمحمدی و محمد تقی سلیمانی لواسانی از اینگونه انسانها بودند. * رفیق شهید خسرو صفائی در سال ۱۳۱۴ در تهران به دنیا آمد. از همان دوران جوانی به فعالیت پرداخت. در او ان جوانی بصوف سازمان جوانان حزب توده ایران پیوست. تا پیش از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۲۲ در جریان مبارزات یک

جرات با زگشت به روستا رانمی کند. هم اکنون پس از پیروزی انقلاب، مالک تلاش دارد با کمک فرمانداری به روستا بازگردد و ۲۰ هکتار زمین دهقانان را پس بگیرد و این امر با مقاومت شدید دهقانان روبرو شده است. جنبش دهقانان این روستا در سایر دهات اطراف نیز تا شیرگزارده و سایر روستا ثیان نیز بفرگرفتند حق خود افتاد، اند بخش ما زندران - گرگان " سازمان انقلابی" در این زمینه اعلامیه ای منتشر کرده است که آنرا در همین شماره به چاپ میرسانیم.

مبارزه ی طبقه بندی در روستاهای اطراف قائم شهر (شاهی سابق) شدت یافته و زحمتکشان روستائی به دفاع از منافع بحق خود پرداخته اند. در طول انقلاب سال گذشته (بویژه ماههای شهریور و مهر) روستا ثیان ده "کیا کلاه" ۲۰ هکتار زمین را که مالک ده در زمان "املاحت ارضی" با هزار دوزو کلک از دهقانان گرفته بود، پس گرفتند. مالک دست به دامان ژاندارمری شد ولی دهقانان با چوب و کلنگ جلوی ژاندارمه ها ایستادند. و از آن پس مالک

"دفاع از خواسته های بحق زحمتکش روستائی بر خیزیم"

انقلاب عظیم ملی - اسلامی ایران به همت توده های خلق بسره رهبری امام خمینی بزرگترین ضربه را به امپریالیستی بویژه دوا بر قدرت تجا و زگرا آمریکا و شوروی وارد کرده و استبداد محمد رضا شاهی را برای همیشه بگورستان تاریخ سپرده است.

امروز مبارزات خلق بزرگمان به رهبری شخصیتی بزرگ و انقلابی توانسته زمینهای برای تحقق سه اصل بزرگ خلق یعنی استقلال، آزادی و رفاه اجتماعی را فراهم آورد.

سازمان انقلابی بمثابه یک سازمانی که اساسا از منافع زحمتکشان دفاع مینماید، این سه اصل را در خدمت منافع خلق دانسته و قاطعانه از آن پشتیبانی مینماید.

استقلال ایران میتواند تحکیم و تثبیت شود اگر چنانچه اصول آزادی و رفاه اجتماعی بویژه در جهت زحمتکشان رشد و گسترش یابد. لذا ضرورت دارد که دولت موقت چه از نظر ماهیت انقلابی خود و چه برای حفظ دستاوردهای انقلاب کوشش نماید تا آنجا که امکان دارد خواسته های خلق، خصوصا زحمتکشان شهروستان را در حد توانایی خود برآورده نماید، زیرا سپاه بزرگ زحمتکشان بزرگترین و مطمئن ترین پشتوانه محکم دستاوردهای انقلاب هستند.

بنظر سازمان انقلابی تا مین منافع زحمتکشان روستائی و ایجاد شرایط مناسب برای بالا آوردن سطح تولیدکشا و رزی یکی از اساسی ترین اقدامات دولت میتواند باشد که کوتاه شدن دست بیگانگان را در این زمینه تسریع نموده و استقلال کشا و رزی را تا مین مینماید.

پس چنانچه این خواست به حق زحمتکشان که در رابطه مستقیم با استقلال ایران میباشد بدرستی درک نشود، موجب پیدایش نتایج بقیه در صفحه پنجم